

چه کند بادل چون آتش ما آتش تیر

★ فدائیان خلق ایران ابراهیم پورنیا و منصور انصاری به دست دژخیمان جمهوری اسلامی به شهادت رسیدند

انقلاب را پرهیبت تر ساختند. بادل عزیزشان را گرامی می‌داریم. از رزمشان می‌آموزیم، بایداری‌شان را رهرو خواهیم بود و به ایمانشان فخر می‌ورزیم. در این شماره نشریه به درج زندگینامه رفیق ابراهیم پورنیا می‌پردازیم. در صفحه ۲

انصاری از فدائیان بودند که در یورش‌های سال گذشته ارگان‌های امنیتی رژیم به اسارت افتاده و در سردابه‌های قرون وسطایی رژیم ولایت فقیه به زیر شکنجه کشانده شدند. و سرانجام در همان شکنجه‌گاه‌ها با شهادت و مرگ افتخار آفرین خود شعله‌های

بار دیگر دستان تا مرق خونین رژیم خمینی، دودایی، در فرزند دلاور طایفه کارگر ایران را از آغوش خلق ربود و به خاک افکند و بار دیگر دودایی خلق با پایداری و راد مردی خود شاقوس مرگ رژیم را طبلینی نو افکند. رفقا ابراهیم پورنیا و منصور



دوشنبه ۱۸ خرداد ۱۳۶۶ برابر ۸ ژوئن ۱۹۸۷
بها ۸۰ ریال - سال چهارم - شماره ۱۶۰

اعتصاب غذای مجدد زندانیان سیاسی در اوین

زندانیان داده شد. مسئولین انتظام داشتند که زندانیان سیاسی به همین یک وعده غذای روزانه اکتفا کنند و به روزه گرفتن اجباری تن دهند. زندانیان مبارز چپ با اعلام آشکار این امر که حاضر به روزه گرفتن نیستند، خواستار برقراری روال سابق گردیدند. زندانبانان نه تنها به این درخواست عمل نکردند بلکه دستور دادند فرونگاه زندان نیز بسته شود. باین ترتیب امکان تهیه اغذیه به هزینه شخصی نیز از زندانیان سلب گردید. در فضای دم کرده سلول‌ها و اطاق‌های زندان نگهداری یک وعده غذای تحویلی در طول روز غیرممکن است. زندانیان وقتی که از اعتراضات خود نتیجه‌ای نگرفتند، از تحویل گرفتن غذای زندان خودداری کردند. بدین ترتیب در فاصله کمتر از بقیه در صفحه ۲

زندانیان سیاسی قهرمان در اردیبهشت ماه باردیگر با انجام یک حرکت اعتراضی جمعی در شکنجه‌گاه اوین، شکست و زبونی جلادان رژیم را در ایجاد فضای وحشت و تسلیم در زندان‌ها نمودار ساختند. جلادان خمینی که تاکنون کوشیده‌اند با به راه انداختن امواج خون و شکنجه و فشار زندانیان مقاومت را مرعوب ساخته و به تمکین وادارند، جز شک و خوار بیشتی، نصیبی نیافته‌اند. حرکت اخیر زندانیان در اعتراض به نحوه توزیع غذا شکل گرفت. مسئولین شکنجه‌گاه اوین با آغاز ماه رمضان (روز ششم اردیبهشت) برای واداشتن همه زندانیان به روزه گرفتن و اعمال فشار بر آنها نحوه تحویل غذا به زندانیان را تغییر دادند. بدین ترتیب که در شبانه روز تنها یک نوبت غذا به

انحلال حزب جمهوری اسلامی جلوه دیگری از بحران حکومت فقها

روز سه شنبه ۱۲ خرداد در پی استفتای خمینی اعلام گشت که حزب جمهوری اسلامی برای "حفظ وحدت" منحل می‌شود. خبر اعلام انحلال حزب جمهوری اسلامی بی‌سروصدای پخش شد و حتی رادیوی حکومتی از ذکر آن به صورت صریح خودداری ورزید.

بحران در حزب "فراگیر"

حزب جمهوری اسلامی از مدت‌ها پیش دستخوش بحران حادی بود. بحران در حزب "فراگیر" در سال ۶۲ جلوه‌های آشکاری پیدا کرد. دو جناح اصلی درونی این حزب بر سر تنظیم لیست کاندیداهای نمایندگی مجلس باهم درگیر شدند و اختلافات خود را برملا ساختند. رفسنجانی - برخلاف خامنه‌ای که از وحدت حزب دم می‌زد - بر روی این اختلافات انگشت نهاده و بقیه در صفحه ۸

نزدیک به سه سال پیش، خامنه‌ای در مقام دبیر کل حزب جمهوری اسلامی در حضور اعضای این حزب در زنجان، در مورد اهمیت حزب جمهوری اسلامی برای حکومت فقها چنین گفت: این حزب "برای نظام یک ضرورت و پایه مستحکم است، عامل هدایت در جامعه است" (روزنامه چ. ا. ۱۲-۱۰ مرداد ۶۲) و نیز در دیدار خود با ائمه جمعه و اعضای حزب جمهوری اسلامی در استان آذربایجان شرقی (آذر ۶۲) تاکید کرد: "حزب نقش کننده وحدت نیست." "حزب نقش کننده وحدت نیست"، اما در هفته گذشته به ناگهان حزب، ناقض وحدت اعلام شد و فتوا صادر گردید که حزب جمهوری اسلامی، دیگر "برای نظام یک ضرورت و پایه مستحکم" نیست. در

افزایش بهای نشریه "اکثریت"

از این شماره قیمت فروش نشریه "اکثریت" افزایش می‌یابد. از این پس هر شماره اکثریت به جای ۶۰ ریال به قیمت ۸۰ ریال به فروش می‌رسد. این مبلغ در خارج از کشور معادل ۲ مارک آلمان فدرال تعیین گردیده است. این اقدام در وهله نخست به منظور باری رساندن به سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) جهت انجام وظایف انقلابی اتخاذ شده است. سازمان ما که برای تامین نیازهای مالی خویش منحصر بر کمک‌های داوطلبانه اعضا و هواداران و دیگر هم‌میهنان مبارز و نیز درآمد حاصل از فروش کتب و نشریات متکی است، ناگزیر است با انتکاه به همین منبع هزینه‌های فزاینده را پاسخ گوید. علاوه بر این در طی یک سال گذشته هزینه چاپ و توزیع اکثریت افزایش یافته است. در طی این مدت ندرتاً تعداد صفحات نشریه در حد ۱۲ باقی ماند. تقریباً همواره نشریه به جای ۱۲ صفحه در ۱۶ صفحه منتشر گردید و به همین نسبت بر هزینه‌های عمومی بقیه در صفحه ۱)

در آستانه کنکور سراسری دانشگاهها

گزینش دانشجو در رژیم فقها

"شورای عالی انقلاب فرهنگی" رژیم ولایت فقیه آئیننامه‌ای را به تصویب رساند که بر طبق آن یک سوم ظرفیت هر دانشگاه به ایادی و طرفداران حکومت اختصاص خواهد داشت و مسئولین این سهمیه از میان افراد معرفی شده از سوی بنیاد شهید، سپاه پاسداران، بسیج، جهاد سازندگی و بنیاد مستضعفان گزیده خواهند شد. به بیان دیگر سهمیه قابل استفاده برای داوطلبان معمولی دوم ظرفیت‌های اعلام شده است. همین "شورای عالی انقلاب فرهنگی" و قبل از آن "ستاد انقلاب فرهنگی" که وظیفه پیشبرد ویزک کردن فاجعه "انقلاب فرهنگی" را بر عهده داشت مصوبات متعددی را در زمینه ضوابط پذیرش دانشجو به اجرا در آورد. براساس این مصوبات سخت‌ترین بازجویی‌ها، تحقیق‌ها و تفتیش عقاید در مورد پذیرفته شدگان مرحله علمی آزمون سراسری انجام گرفت. این تحقیقات باهدف جلوگیری از ورود داوطلبان اندیشمند و مبارز و غیر مذهبی به دانشگاه‌ها صورت

در روزهای ۲۸ و ۲۹ خرداد ماه، کنکور سراسری دانشگاه‌ها و مدارس عالی کشور برگزار خواهد شد. بر طبق اعلام مدیرکل گزینش دانشجویی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، در کنکور اسامی ۵۴۷۰۲۲ نفر ثبت‌نام کرده‌اند. از این تعداد جمعا ۶۰۷۷ نفر در رشته‌ها و مراکز مختلف آموزش عالی پذیرفته خواهند شد. نسبت قبولی برای گروه ریاضی ۲۴ درصد و برای گروه علوم انسانی ۴ درصد اعلام شده است. در آزمون ورودی موسسات آموزش عالی در سال گذشته ۵۸۲ هزار نفر شرکت کرده بودند که از این تعداد ۴۲ هزار نفر، نزدیک به ۷ درصد، بعنوان دانشجو پذیرفته شدند. در کنکور سال گذشته که در اوایل تیرماه برگزار شد داوطلبان می‌بایست به ۲۰۰ سوال عمومی و نزدیک به ۲۰۰ سوال اختصاصی پاسخ دهند. در بخش سوال‌های عمومی ۷۰ سوال به مسائل فقهی و زبان عربی اختصاص داشت. اما وای این آمار و ارقام بهینیم گزینش دانشجو در جمهوری اسلامی چه روندی را طی می‌کند.

افتخار بر زندانیان سیاسی، حماسه آفرینان اسارتگاه‌های ارتجاع

چه کند بادل چون آتش ما آتش تیر

بقیه از صفحه اول

رفیق مبارز، همایونیکم ابراهیم پورنیا در سال ۱۳۲۸ در یکی از محلات فقیرنشین شهر تبریز دیده به جهان گشود. خاطره از دست دادن مادر بخاطر ناتوانی در تامین مخارج مداوا، از همان سالیهای اولیه زندگی آتش کینه به نظامیها که بروز چنین فاجعه ای را برای هر خانواده زحمتکشی ممکن می سازد شعله ور ساخت. ابراهیم به علت فقر خانواده از تحصیل محروم ماند اما با این سرنوشت بمقابله برخاست. وی با تکی رنجور اما اراده ای استوار بعد از گذر سخت روزانه دوان دران راهی مدرسه می شد و بعد از پایان یافتن کلاس ناپاسی از شب گذشته به یادگیری و آموزش می پرداخت. رفیق پورنیا در سال های ۴۸ - ۴۹ با تکی چند از رفقای پنهانکار سازمان (در شاخه تبریز) آشنا شد و با رهنمودهای آنان مطالعه ادبیات انقلابی را پی گرفت.

نقش عملکرد انقلابی او با اوج گیری خیزش های توده ای نمود چشمگیری یافت و بعنوان یک همایون در سازماندهی و مبارزات همایون در ماه های قبل از انقلاب و به ویژه در اقدام تاریخی و قهرمانانه همایون در انقلاب بهمن نقش بارزی داشت. یکی از همزمان وی در این زمینه نوشته است: "پس از شنیدن خبر شهادت رفیق ابراهیم، خاطرات گذشته نه چندان دور یعنی روزهای انقلاب را به خاطر آوردم. به خاطر آوردم که ابراهیم چگونه با تلاش آگاهانه شبانه روزی گروهی از پرسنل نیروی هوایی را به صاف مردم کشاند و در تسخیر کلانتری ها و مراکز مهم نظامی رژیم شاه در تهران چنانچه تلاش می کرد. بدنبال پیروزی انقلاب کار آگاهانه و سازمانگرانه ابراهیم در میان پرسنل ارتش گسترش بیشتری یافت. او در تابستان سال ۵۸ یکی از سازماندهندگان اعتصاب و راهپیمایی همایون در تهران بود. ابراهیم در میان پرسنل نیروی هوایی به مثابه یک کمونیست چهره ای محبوب و شناخته شده بود. به همین خاطر رژیم خمینی رفیق مبارزمان را در شهریور ۵۹ از نیروی هوایی اخراج کرد. از آن پس مبارزه او در اشکال تازه تر و با کیفیت بالاتری ادامه یافت."

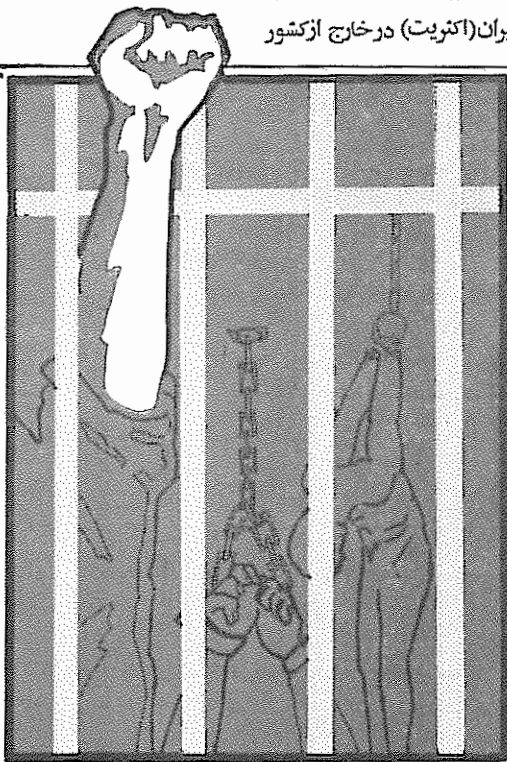
رفیق ابراهیم پورنیا مأموریت های انقلابی خود را در هر

موقعیتی به انجام می رساند. سوار بر دوچرخه کهنه خودتبریز را زیر پا می گذاشت. به هر خانه ای که کام می نهاد بدر امید می کاشت. با چشمان تیز و هشیار خود نظاره گر امور بود. بارها از شور پلیس خمینی خارج شده و پاسداران را ناکام ساخته بود. مردم بخاطر شجاعت و زرنگی های مخصوص به وی لقب "جیبیل دافی" یعنی فرزند زرنگ و شترس داده بودند. ابراهیم با دیدار رفقای همزمش همیشه از دور با محبت صدا می زد: "سحر میز خیر، آخسانیز خیر" و این کلمات را چنان دلنشین و شیرین ادا می کرد که آشنایان اسم او را "آخسانیز خیر" و یا "سحر میز خیر" گذاشته بودند و این خود بخود به اسم مستعار وی تبدیل شده بود.

رفیق ابراهیم پورنیا از تابستان سال ۶۰ مخفی شده و به شکل مخفی مبارزه خود را پیش می برد. رفیق دیگری در مورد نحوه زندگی رفیق ابراهیم در این دوره نوشته است: "در فروردین ماه سال ۶۳ بخاطر کاری بر سر قرار ابراهیم رفتم. روزهایی بود که می خواست از دوچرخه کهنه، بعد از انجام کار سازمانی از او خواستم تا به اتفاق هم نهار بخوریم. ابراهیم لبخند زنان تکه نانی از جیبش در آورد و گفت: "ما مدت هاست که به نان خالی عادت کرده ایم و..."

رفیق ابراهیم پورنیا در تابستان سال گذشته در تبریز دستگیر شد. دژخمیان از اولین لحظات دستگیری بطور وحشیانه به شکنجه اش پرداختند. دشمن به هر کار غیر انسانی دست زد تا شخصیت انقلابی وی را درهم شکند اما همه آن شکنجه های روحی و جسمی قادر نشد ایمان کوهوار رفیق ابراهیم را خدشه دار سازد. از اینرو بود که دشمن خونخوار و جنایت پیشه در فروردین ماه با آخرین شکنجه های خود او را به شهادت رساند و به خانواده اش اعلام کرد که ابراهیم خودکشی کرده است! پس بدین کبود شده از شکنجه های وحشیانه نشان می داد که رفیق ابراهیم تا واپسین دم زندگی بعنوان یک کمونیست پرشور از آرمان والای طبقه کارگر دفاع کرده است.

خاطره رژیم و مقاومت فدائی خلق ابراهیم پورنیا این فرزند راستین زحمتکشان، در سینه های مردم جاودانه خواهد ماند.



اعتصاب غذای مجدد زندانیان سیاسی در اوین

بقیه از صفحه اول

شش ماه از آذر ماه سال گذشته که اعتصاب غذای بزرگ و تاریخی زندانیان سیاسی در بند های ۱ و ۲ زندان اوین صورت پذیرفت باردیگر اعتصاب غذای دیگری این بار توسط انقلابیون کمونیست در این زندان شکل گرفت.

بدنبال آغاز اعتصاب، رژیم کوشید از انتشار خبر آن جلوگیری کند. زندانبانان در هراس از واکنش جمعی خانواده های زندانیان سیاسی و انتشار خبر اعتصاب در میان مردم، ملاقات زندانیان را قطع کردند. علاوه بر این عده ای از زندانیان اعتصابی را به دیگر زندانها منتقل کردند تا اعتصاب کنندگان را از پیگیری خواستهایشان باز دارند. ما در شماره ۱۵۷ اکثريت به تاریخ ۲۸ اردیبهشت خبر دادیم که: "از اوایل اردیبهشت بار دیگر ملاقات زندانیان شکنجه گاه اوین قطع شد. جلادان خمینی خانواده هایی را که برای دیدار عزیزان زندانی خود مراجعه کرده بودند از ملاقات بازداشتند." رژیم علت قطع ملاقات را شیوع بیماری "شبه سل" در زندان و انتقال زندانیان به زندان کورهدشت و قتل حصار اعلام کرد.

دست اندازکاران رژیم که از پخش خبر شیوع بیماری سل در سیاهچال های جمهوری اسلامی اطلاع داشتند با اعتراف به شیوع این بیماری کوشیدند از اشاعه خبر حرکات مبارزاتی زندانیان به خارج از

زندانیان ما جلو گیری نمایند و نقل و انتقال زندانیان را توجیه کنند. در همان شماره ۱۵۷ اکثريت در این مورد نوشتیم:

اینگ

رژیم جمهوری اسلامی به این جنایت خود نیز اعتراف می کند. شیوع "شبه سل" در زندان ها خود ننگ دیگری مضاف بر انبوه جنایات رژیم فقیه است. اما باید هشیار بود. تجربه نشان داده است که قطع ملاقات

زندانیان همزمان با اعمال فشارهای تازه و یا تیرباران های جمعی صورت

گرفته است. در زمان اعتصاب غذای زندانیان سیاسی نیز، جمهوری اسلامی برای جلوگیری از اشاعه اخبار متوقف ساخته بود."

با تداوم اعتصاب غذای زندانیان سیاسی، مسئولین امر اقدامات متعددی را برای غلبه بر اراده استوار زندانیان به انجام رساندند که قطع ملاقات، انتقال به سول های انفرادی و زندان های دیگر و اعمال انواع فشارهای جسمی و روانی از آن جمله بود. اما حرکت اعتراضی زندانیان اوین ادامه یافت و علاوه بر آن همزمان با این حرکت، در زندان کورهدشت نیز زندانیان سیاسی دست به مقاومت جمعی در برابر دژخمیان زندک شرح آن در اکثريت شماره ۱۵۸ آمده است.

اعتصاب غذای اخیر زندانیان شکنجه گاه اوین و یابرداری رژیم میبایست زندانیان کورهدشت باردیگر شکست و خواری شلاق و کلوله و سبیت را در مقابل ایمان و اراده به نمایش گذاشت. هر چند مسئولین شکنجه گاه اوین پس از چند روز از آغاز اعتصاب غذا در مقابل عزم و ایستادگی زندانیان، به کشودن فروشگاه زندان مجبور گشتند، اما این امر به هیچ وجه به معنای رفع خطر اقدامات تلافی جویانه و انتقامی از زندانیان سیاسی نیست. تجربه به کرات نشان داده است که از این رژیم دمنش و خونخوار هرگونه اقدام چنایکارانه ای قابل تصور است. باید هوشیار بود و اخبار زندان ها را با دقت پی گرفت.

طرح پرسش بیرامون حمله رژیم به فدائیان خلق در پارلمان هلند

نمایندگان
سویالیست های صلح طلب، حزب
رادیکال های مترقی و حزب کارگر
هلند در مجلس هلند طی نامه ای به
وزیر خارجه این کشور با طرح چند
پرسش خواستار بررسی وضعیت
فداییانی که طی سال گذشته دستگیر
شده اند، گردیدند. وزیر خارجه هلند
موظف است در جلسه علنی مجلس این
کشور به سئوالات مطروحه پاسخ گوید.
پرسش های نمایندگان سه حزب
سیاسی نامبرده (که ۵۰ درصد آراء
مجلس هلند را در اختیار دارند) از
وزیر خارجه این کشور چنین است:
"۱- آیا چند ماه قبل پیش از هژارتن
از اعضای سازمان فدائیان خلق ایران
(اکثریت) دستگیر شده اند؟
۲- آیا شما اطلاع دارید که این دستگیر-
شدگان بشدت شکنجه شده، وعده ای از
آنها در اثر شکنجه جان سپرده اند؟
۳- آیا شما آماده اید که در رابطه با
رژیم ایران اقداماتی انجام دهید تا
اعمال شکنجه و اعدامهای احتمالی
دستگیرشدگان هر چه سریعتر متوقف و
زندانیان آزاد شوند؟"

پشتیبانی کمونیست های فرانسه از زندانیان سیاسی ایران

کمی دوکولونه
فراکسیون کمونیست ها در مجلس ملی
فرانسه طی نامه ای به شیراک
نخست وزیر این کشور به نقض حقوق
بشر در ایران و تهاجم وحشیانه

آقای نخست وزیر
محترما توجه شما به وضعیت بسیار نگران کننده ای که در رابطه با
حقوق بشر در ایران حکمفرما شده است، جلب می نمایم.
در این هفته سازمان عفو بین الملل به انتشار گزارش تکان دهنده ای
علیه مقامات ایرانی مبادرت ورزیده است. میچیک از حقوق ابتدایی
انسان ها در این کشور مراعات نمی شود. حتی حق حیات و زندگی نیز وجود
ندارد.

اخیرا مقامات رسمی جمهوری اسلامی ایران دستگیری ۸۵۰ تن از
"فداییان" را تایید کرده اند. عده ای از آنها از جمله خاتم شیدا بهزادی و
مسعود حتی به قتل رسیدند و خطر مرگ جان بقیه آنها را تهدید می کند. در
حقیقت اعدام، شکنجه، تجاوز به دختران جوان قبل از اجرای حکم اعدام،
زندانیان و... واقعیات روزمره این کشورند.

این اعمال غیر انسانی از این جهت نیز غیر قابل تحمل اند که در تخطی
آشکار نسبت به کنوانسیونهای بین المللی حقوق بشر که ایران یکی از امضا
کنندگان آنهاست، و نیز حتی برخلاف بسیاری از مواد قانون اساسی خود
ایران صورت گرفته اند.

از شما می خواهم نحوه واکنش سریع دولت فرانسه را در مقابل دولت
ایران جهت رفع خطراتی که جان زندانیان دمکرات ایرانی را تهدید
می کنند، مورد بررسی قرار دهید تا با کمک فشارهای بین المللی قوانین یک
زندگی سیاسی دمکراتیک در این کشور برقرار گردد.

با احترامات فائقه - کمی دوکولونه ۱۵ مه ۱۹۸۷ - پاریس



اخباری از کارزار همبستگی با مردم و زندانیان سیاسی ایران

* آنتونیویری پاریس،
دبیر ملی شورای صلح و همبستگی
فیلیپین، در روز ۱۷ اردیبهشت طی
نامه ای خطاب به خامنه ای رئیس
جمهور رژیم خمینی با اشاره به گزارش
سازمان عفو بین الملل نقض حقوق بشر
در ایران را محکوم نمود. وی با ذکر
شواهدی بر برخورد رژیم با زندانیان و
خانواده هایشان خواهان آزادی همه
زندانیان سیاسی ایران گردید.
* "دانیل وگه" مسئول کمیته
فرانسوی همبستگی با مردم ایران در
نامه ای به وزیر حقوق بشر فرانسه،
توجه او را به اعمال شکنجه و اعدام

فداییان خلق و سایر مبارزین سیاسی
کشورمان معطوف کرد.
وی در این نامه نوشت که دولت
فرانسه باید "علیه نقض آشکار حقوق
بشر در ایران، به ویژه علیه شکنجه و
اعدام های بدون محاکمه و همچنین
برای آزادی زندانیان سیاسی اقدام
کند.
مسئول کمیته فرانسوی همبستگی با
مردم ایران خواستار شد "به ابتکار
دولت فرانسه یک کمیسیون تحقیق
جهت بررسی وضعیت حقوق بشر به
ایران اعزام گردد".
* سازمان زنان دمکراتیک

آلمان - ایالت سار، طی یک نامه
اعتراضی به سفارت جمهوری اسلامی در
بن نسبت به پایمال شدن حقوق بشر در
رژیم جمهوری اسلامی موضعگیری کرد.
در بخش پایانی این نامه آمده
است،
- ما خواهان آزادی بدون قید و شرط
زندانیان سیاسی و قطع هرگونه رفتار
غیر انسانی با آنان هستیم
- ما در مورد وضعیت زنان و کودکان در
جنگ لعنتی بین ایران و عراق شدیداً
نگران هستیم
- ما خواهان پایان یافتن جنگ هستیم

بشریت ترقیخواه در دفاع از زندانیان سیاسی ایران

'درفش همبستگی با زندانیان
سیاسی ایران در دستهای نیرومند
بشریت ترقیخواه در اهتزاز است.
احزاب، سازمانها و شخصیت های
سیاسی، اجتماعی، حقوقی و فرهنگی
بیشرو همچنان به اعتراض علیه رفتار
جنایت آمیز جلادان خمینی در
شکنجه گاه های جمهوری اسلامی ادامه
می دهند. بشریت ترقیخواه بر آزادی
همه زندانیان سیاسی ایران پای
می فشارد.

در این شماره نشریه اکثریت،
اسامی تعدادی دیگر از نیروها و
شخصیت هایی را که همبستگی خویش را
با مبارزین دربند میهنمان ابراز
داشته اند، می نگاریم.

- ۱- پیل مارسو، عضو کمیته مرکزی حزب
کمونیست بلژیک
- ۲- مسئول روابط بین الملل حزب
کمونیست بلژیک
- ۳- دبیر اول، سازمان جوانان حزب
کمونیست بلژیک
- ۴- حزب کمونیست پرتغال-بلژیک
- ۵- حزب کمونیست یونان-بلژیک
- ۶- حزب کمونیست ایتالیا-بلژیک
- ۷- حزب کمونیست تونس-بلژیک
- ۸- سازمان جوانان کمونیست یونان-
بلژیک

- ۹- انجمن دانشجویان عرب-پروکسل
- ۱۰- گونزالس، نماینده حزب
کمونیست پاراگوئه در اروپا
- ۱۱- موریس کوکیرمن، مسئول سازمان
ضد فاشیسم و آپارتاید (فرانسه)
- ۱۲- آندره ابری، سفاتور و شهردار
سابق "آنتونی" و نماینده فعلی
"شورای عمومی" استان اودوس
- ۱۳- ژان تولومیه، عضو دفتر فدرال
(کمیته ایالتی) حزب کمونیست
فرانسه در پاریس
- ۱۴- دوژن از مسئولین حزب کمونیست
فرانسه در استان اودوس
- ۱۵- دبیر سازمان حزب کمونیست
فرانسه در ناحیه ۱۲ پاریس
- ۱۶- اتحادیه معلمان دانمارک
- ۱۷- اریک اندرسون، رئیس اتحادیه
برق کاران-دانمارک
- ۱۸- سورن هنسن، رئیس اتحادیه
متال (فلز)-دانمارک
- ۱۹- رئیس کمیته فیکاراکوئه -
دانمارک
- ۲۰- شورای صلح و همبستگی فیلیپین
- ۲۱- سازمان زنان فیلیپین
- ۲۲- سازمان جوانان فیلیپین
- ۲۳- اتحادیه بزرگ فلسطینی ها -
فیلیپین

سفرهای خارجی مسئولان جمهوری اسلامی

کشورهای عربی حوزه خلیج همراه داشت، اعلام کرد که روابط بین تهران و ابوظبی برای جمهوری اسلامی از حساسیت خاصی برخوردار است.

* محمد جواد لاریجانی معاون اقتصادی و امور بین‌المللی وزارت امور خارجه جهت گفتگو با مقامات بن، رم و بروکسل راهی اروپا شد. وی روز پنجشنبه ۱۵ خرداد در رم با وزیر امور خارجه ایتالیا دیدار و گفتگو کرد. ورود لاریجانی به رم در آستانه اجلاس سران هفت کشور صنعتی در ونیز صورت گرفت.

علاوه بر سفرهای خارجی، در تهران نیز مذاکراتی توسط مقامات جمهوری اسلامی با سفرای کشورهای صنعتی امپریالیستی صورت گرفت.

روز سه‌شنبه بهارتنی قائم مقام وزیر امور خارجه با سفیر ژاپن ملاقات کرد. در این دیدار ژان سفر وزیر امور خارجه ژاپن به تهران اعلام شد و طرفین اشاره‌ای به لغو برنامه سفر نخست‌وزیر ژاپن به ایران که قرار بود در بازگشت وی از "اجلاس سران هفت کشور صنعتی" صورت گیرد، نکردند.

* روز یکشنبه ۱۰ خرداد، شیخ الاسلام معاون سیاسی وزیر امور خارجه به منظور ارسال پیام خامنه‌ای به حافظ اسد وارد دمشق شد. در این سفر برخی از مقامات نخست‌وزیری و وزارت امور خارجه همراه شیخ الاسلام بودند. در پایان این دیدار اعلام شد که در آینده نزدیک موسوی نخست‌وزیر جهت ملاقات با مقامات سوری راهی دمشق خواهد شد.

* روز دوشنبه ۱۲ خرداد میرسلیم مشاور عالی خامنه‌ای به منظور گفتگو با مسئولان حکومتی پاکستان و ابلاغ پیام خامنه‌ای به ضیاء الحق از اسلام‌آباد دیدن کرد. در ملاقات میرسلیم و ضیاء الحق، جنگ ایران و عراق و مسئله افغانستان مورد مذاکره قرار گرفت.

* به گزارش روزنامه کیهان ۱۱ خرداد ولایتی وزیر امور خارجه و هیات همراه وی پارلیس دولت و وزیر مشاور در امور خارجه امارات متحده دیدار داشت. این هیات سپس آن کشور را به مقصد قطر ترک کرد.

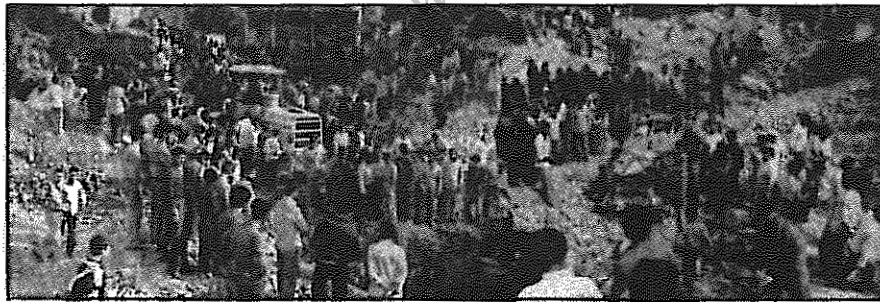
ولایتی که پیام ویژه خامنه‌ای را به سران

شهر نمونه جمهوری اسلامی

مصاحبه‌ای با واحد مرکزی خبر ضمن اعلام انتخاب دزفول به عنوان شهر نمونه، از مردم کیلان غرب، ایلام و سایر شهرهای بهاران شده و آسیب دیده دلجویی کرد و ابراز امیدواری نمود که در آینده شهرهای یاد شده و سایر شهرها بیشتر از دزفول ویران شوند تا بتوانند عنوان شهر نمونه جمهوری اسلامی را کسب کنند.

"تخریب چهارده هزار واحد مسکونی به میزان ۲۰ الی صد درصد"، ویرانی "بیش از نود و یک مدرسه و مرکز آموزشی"، تحمل یک صد هفتاد موشک دور برد و زمین به زمین و بیش از پنج هزار و یک صد گلوله توپ شهر دزفول را در صد جدول شهرهای نمونه جمهوری اسلامی قرار داد!

حجت الاسلام محتشمی وزیر کشور طی



در چهار استان کشور سیل جاری شد

بی‌سابقه بود خسارات چهران ناپذیری بهار آورد. نیروگاه برق شهر در محاصره آب قرار گرفت. جریان سیل علاوه بر بافق، در بخشهای دیگر استان کرمان از جمله راین، بم، بافت، ژرند و روستاهای آن، تا روز جمعه ۱۶ خرداد ادامه داشت.

دریز و بهرچند ۴ تن کشته و دهها نفر زخمی شدند و در بهنورد ۷ روستای مرکزی به محاصره سیل درآمد. در این منطقه ۲ تن از چادر نشینان سخواست جان خود را از دست دادند. در روزنامه‌ها تلفات سیل در قم گزارش نشده و کشته‌های اراک به تن اعلام شده‌اند.

همچنین در هفته گذشته در پی بروز زلزله در شهرهای نهاوند، توپسرکان و همدان سه تن جان خود را از دست دادند و ۵۰ تن به شدت مجروح شدند.

به گزارش مطبوعات جمهوری اسلامی، به علت ریزش باران و جاری شدن سیل طی چند روز گذشته در استانهای سیستان و بلوچستان، اصفهان، کرمان ویزد، علاوه بر ویرانی صدها واحد مسکونی، قطع راههای ارتباطی و تلف شدن احشام روستائیان، دهها تن نیز کشته و زخمی شدند.

در زاهدان با شکسته شدن سیل بندهای ناحیه غرب شهر، آب به سوی مرکز شهر جاری شد و تردد در سطح شهر بکلی مختل گشت. به نوشته روزنامه کیهان تا ظهر روز یکشنبه ۱۰ خرداد، در این شهر ۱۲ تن کشته و ۳۷ تن زخمی شده بودند.

در شهر بافق کرمان، ارتفاع آب در برخی نقاط تا یک متر بالا آمد. به نوشته روزنامه‌ها این سیل که بعد از سیل زمستان سال قبل، طی ۲۰ سال گذشته

در کنکور، ۳۰ هزار بسیجی در اولویت خواهند بود

در هفته جاری دفترچه راهنمای داوطلبان کنکور سراسری توزیع می‌شود. آمار ارائه شده در این دفترچه حاکی است که امسال ۵۴۷۰۲۲ نفر در کنکور ثبت‌نام کرده‌اند که ۱۹۷۵۸۰ نفر دختر و ۳۴۹۴۴۲ نفر پسر هستند. براساس سال اخذ مدرک تحصیلی بیش از سه پنجم داوطلبان این دوره از میان دیپلمه‌های سال‌های قبل هستند که در دوره‌های قبل نتوانسته‌اند از سد کنکور و سد تحقیقات پلیسی رژیم بگذرند.

شرکت کنندگان، در چهار گروه آزمایشی تقسیم شده‌اند که گروه علوم تجربی با ۲۲۲۲۴۸ نفر، گروه علوم انسانی ۲۱۹۶۸۴ نفر، علوم ریاضی و فنی ۸۶۸۴۲ نفر و هنر ۸۱۴۸ نفر داوطلب به ترتیب هم قرار گرفته‌اند.

طبق آمار دفترچه مذکور، امسال ۶۰۸۷۰ نفر به دانشگاه‌ها راه می‌یابند که سهم رشته‌های زبان ۲۰۴۰ نفر، ریاضی و فنی ۲۰۹۵۰ نفر، علوم انسانی ۱۰۵۰۰ نفر، هنر ۵۸۰ نفر و قبول‌شدگان "روش غیر متمرکز" ۵۸۰۰ نفر اعلام شده است.

ارزیابی آمار ارائه شده برحسب تعداد داوطلبان و ظرفیت رشته‌های تحصیلی بیانگر آن است که داوطلبان گروه ریاضی و فنی ۲۴ درصد، علوم تجربی ۹ درصد، هنر ۷/۱ درصد و علوم انسانی ۴/۷ درصد احتمال قبولی دارند.

در صفحه ۱۶ همین دفترچه در قسمت مربوط به تقسیم‌بندی داوطلبان و اختصاص ظرفیت دانشگاه‌ها، آمده است: حداکثر ۵ درصد به ظرفیت رشته‌های مختلف کنکور امسال افزوده می‌شود که اختصاص به "سهمیه شاهد" دارد که شامل "معلولین" و فرزندان آنان و فرزندان کشته شدگان جبهه‌ها می‌باشد.

علاوه بر "سهمیه شاهد" ۷ ارکان حکومتی دیگر نیز هر یک دارای ۵ درصد سهمیه اختصاصی از مجموع ظرفیت پذیرش دانشگاه‌ها می‌باشند.

بنا به گفته رحمانی مسئول بسیج سال گذشته قریب ده درصد ظرفیت کل دانشگاه‌ها به بسیج تعلق گرفت و ۸ هزار بسیجی وارد دانشگاه شدند. امسال "بسیج" روز ۹ خرداد با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرده است دانش‌آموزانی که ۹ ماه متوالی و یا ۱۲ ماه متناوب در جبهه باشند به دانشگاه‌ها پذیرفته می‌شوند. ۲۰ هزار تن بسیجی خود را آماده کرده‌اند که طی چند ماه آینده و پس از پایان کنکور وارد دانشگاه شوند.

معاملات نفتی با ژاپن

به گزارش کیهان هوایی در سفر اخیر هیات بلند پایه وزارت نفت ایران به ژاپن، معامله‌ای برای فروش ۱۰۰ هزار بشکه نفت در روزهای بخش خصوصی این کشور منعقد شد. مدت این قرارداد که یکشنبه گذشته بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت "ایدمی تسوکوسان" و "مستوپیشی" و چند شرکت دیگر ژاپنی به امضا رسید از یازده اردیبهشت (اول ماه مه) تا ۱۰ دی ماه سال جاری است.

همچنین ماه گذشته نیز قرارداد فروش ۴۰ هزار بشکه نفت در روزهای بخش ملی نفت ایران و شرکت خصوصی ژاپنی "اسی-اتپو" در توکیو امضا شد که مدت این قرارداد نیز مشابه قرارداد فوق است.

راه مقابله با کاهش ارزش دلار

موسوی نخست وزیر، روز یکشنبه ۲۰ اردیبهشت در پایان جلسه هیات دولت در گفتگو با خبرنگاران عنوان کرد که برای مقابله با بیابانی ناشی از کاهش قیمت دلار در بازارهای جهانی دولت تصمیم به تغییر نوع واردات از کشورهای مختلف گرفته است در این باره موسوی به خبرنگاران توضیح داد: "بحث نسبتاً مفصلی امروز در مورد کاهش ارزش دلار در سطح جهان از طریق وزارت برنامه و بودجه مطرح بود که معمولاً در قبال نفت صادراتی در جهان، دلار پرداخت می‌شود. این به آن معناست که قدرت خرید کشورهای صادرکننده نفت کاهش پیدا کند... در این رابطه در جلسه هیات دولت بحث و گفتگوهای زیادی انجام شد که در شروع واردات از کشورهای مختلف محاسبات جدیدی صورت بگیرد، برای اینکه تا آن اندازه‌ای که ممکن است این خریدها نسبت به کاهش قیمت دلار در سطح جهان کمتر متاثر بشود."

سخنان موسوی بدین معنی است که واردات ایران از کشورهایی که دلار را مبنای محاسبه در بازرگانی خارجی قرار می‌دهند، نقش بیشتری خواهد یافت. این تصمیم می‌تواند بر حجم معاملات ایران و آمریکا نیز موثر واقع شود.

ترکیه، برای نفت عراق بازاریابی می‌کند

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی وزیر کشور ترکیه اعلام کرد این کشور موافقت کرده است که حدود یک میلیون تن از نفت خام عراق را که از طریق معاملات تهاثری دریافت می‌کند در بازار آزاد بین المللی بفروشد.

پنا به خبرنگار نگاه خبر "پلاتس"، وزیر کشور ترکیه گفت، این میزان نفت خام جدا از میزان نفتی است که بطور معمول از سوی عراق به ترکیه صادر می‌شود. این میزان در سال ۱۹۸۶ بالغ بر ۴/۸ میلیون تن نفت خام بوده است.

لازم به یادآوری است در سال گذشته برخلاف افزایش صادرات نفت عراق به ترکیه، صدور نفت از ایران به ترکیه کاهش یافت. میزان کاهش واردات نفتی ترکیه از ایران که در پی عدم توافق بر سر قیمت نفت رخ داد بسیار پایین‌تر از سطحی بود که در قرار داد طرفین در ابتدای سال پیش بینی شده بود.

جنگ دستمایه فرهنگ و هنر جمهوری اسلامی است

حجت الاسلام خاتمی وزیر ارشاد جمهوری اسلامی در یک گفتگوی مطبوعاتی در همدان، خبر داد: "بیش از یکسال است که وزارت ارشاد با هماهنگی مسئولین اداره جنگ این وزارتخانه به تاسیس قرارگاههای فرهنگی - هنری در جبهه‌های هوا، فضا، دژ فول، ایلام ... مبادرت کرده است."

خاتمی گفت وزارت ارشاد علاوه بر اشتغال امکانات هنری سینمایی، خوشنویسان و هنرمندان را به صورت گروهی به جبهه اعزام می‌کند تا این‌ده

ضمن کشف استعداد رزمندگان و پرورش آنان، در آثار خود نیز عظمت جبهه را منعکس سازند. وی متذکر شد با این اقدام، وزارت ارشاد بر آن است که "نیروی عظیم بسیجی و رزمنده با پرورشی که استعداد فرهنگی و هنری‌اش در جبهه پیدا می‌کند جذب فرهنگ و هنر این مملکت بشود و فرهنگ و هنر این کشور باور سازد" و متقابلاً مردم نیز در متن جنگ و جبهه قرار گیرند.

وزیر ارشاد وظایف اصلی وزارتخانه متبوعش را چنین ترسیم کرد: "وزارت ارشاد اسلامی وظیفه‌ای دوجانبه نسبت به جنگ از لحاظ فرهنگی و هنری دارد... که یکی از آنها انتقال روحیه جبهه که دستمایه فرهنگ ما است به متن فرهنگ و هنر و از آنجا به جامعه و تاریخ می‌باشد."

جدول مواد غذایی سهمیه بندی شده

در جدول زیر نام ۸ قلم مواد غذایی و بهداشتی که هم اکنون در کشور بصورت کوپنی بین مردم توزیع می‌شود، با تعیین سهمیه هر فرد در هر نوبت زمانی عرضه آن ذکر شده است. داده‌های این جدول از روزنامه اطلاعات ۲ خرداد گرفته شده است. ارزیابی داده‌های جدول بر حسب سهمیه هر فرد نسبت به فاصله زمانی توزیع کالاها حاکی از آن است که در جمهوری اسلامی به هر فرد روزانه ۱۵ گرم روغن، کمتر از ۸ گرم گوشت مرغ، یک پنجم تخم مرغ، ۲ گرم پنیر و نیم گرم صابون داده می‌شود.

طبق تصمیم "ستاد بسیج اقتصادی" کسانی که طی ۲ ماه نتوانند و یا نتوانند سهمیه خود را تحویل بگیرند، از همین چند گرم جیره غذایی نیز محروم خواهند شد.

نام مواد غذایی	سهمیه سرانه (واحد به گرم)	هر نوبت توزیع (واحد به روز)
گوشت منجمد	۱۴۰۰	۳۰
گوشت مرغ	۷۰۰	۹۰
پنیر	۱۵۰	۹۰
روغن	۴۵۰	۲۰
قند و شکر	۱۲۰۰	۳۰
تخم مرغ	۱۰ عدد	۵۰
صابون	۹۰	۱۶۰

از میان دیگر رویدادها

● رادیو جمهوری اسلامی روز چهارشنبه ۱۴ خرداد اعلام کرد که ارتش نیمه شب سه شنبه در منطقه غرب میک در جبهه مرکزی عملیات "نصر ۲" را آغاز کرده است. جمهوری اسلامی مدعی است که در جریان این عملیات ۱۰۵۰ عراقی کشته و زخمی شده‌اند و ۲۰ کیلومتر مربع از خاک عراق در این منطقه به اشغال درآمده است. رفسنجانی در مجلس، این عملیات را محکمی برای ارزیابی ارتش نامید.

عراق ضمن رد ادعای ایران اعلام داشت که طی ۵ حمله پی‌درپی در این منطقه ضربات سنگینی به نیروهای جمهوری اسلامی وارد کرده است.

● به گزارش آخرین شماره کیهان هوایی، فدراسیون فوتبال کشور اعلام کرد از سوی پرویز دهمداری مدیر تیم‌های ملی ایران ۲۲ بازیکن به اردوی تیم ملی فوتبال دعوت شدند، در میان دعوت شدگان به اردو، نام هیچیک از بازیکنان سابق تیم ملی و بویژه ۹ بازیکن مستعفی دیده نمی‌شود.

لازم به یادآوری است که تیم ملی فوتبال کنونی با شکست در مقابل تیم کویت، برای دومین بار در حکومت جمهوری اسلامی از شرکت در جام جهانی فوتبال محروم گردید.

● در پی دستگیری احمد قاسمی کارمند کنسولگری رژیم خمینی در شهر منچستر بریتانیا به اتهام دزدی و ربوده شدن ادوارد چاپلین وابسته سیاسی بریتانیا در تهران، دولت انگلیس هفته گذشته دستور داد که دفتر کنسولگری جمهوری اسلامی در منچستر تعطیل شود و ۵ تن از کارکنان آن، بریتانیا را ترک کنند. انگلیستان اعلام کرده است که علیرغم ادعای جمهوری اسلامی، چاپلین دارای مصونیت سیاسی است، حال آنکه مصونیت قاسمی خاتمه یافته بود و جرم وی خارج از این موضوع است.

● اطلاعات ۲۲ اردیبهشت - بر اساس گزارش روابط عمومی سازمان منطقه‌ای بهداشت تهران، طی دو ماه گذشته ۵ درمانگاه و کلینیک، یک موسسه رادیولوژی، یک موسسه فیزیوتراپی، ۲ داروخانه، ۸ مطب پزشکی، یک مطب مامائی و ۵۷ مطب دندانپزشکی و دندانسازی به دستور مسئولین استان تهران به علت "دخاله غیر قانونی در امور پزشکی" تعطیل شدند.

کمک‌های مالی رسیده

۱۵ دلار
۱۰ دلار
۱۰ مارک
۲۰ مارک
۱۵ گیلدن
۲۰ دلار
۳۵ "
۵۰۰ "
۴۶۰ کرون
۲۰۰ کرون
۲۴۵ پوند
۱۳۴ "

سعد از استرالیا
خاتون از استرالیا
پیمان از آلمان فدرال
بابک از کلن - آلمان فدرال
س. ۱۰ از هلند
نینا از ایونزویل ایندیانا - آمریکا
از شیکاگو - آمریکا
کمک مالی جمع آوری شده در تظاهرات صلح ۲۵ آوریل در واشنگتن - آمریکا
از کارچند رفیق فدائی در آلمان برای خانواده‌های زندانیان سیاسی
از کاریک رفیق فدائی در آلمان برای خانواده‌های زندانیان سیاسی
ب از برایتون - بریتانیا
ت از برایتون - بریتانیا

از اعضا خانواده های کارگران شهرک صنعتی البرز انجامیده است.

طرح اخراج ۶۵ درصد کارکنان ارچ

در پی کاهش سهمیه ارزی کارخانجات تولید کننده کالاهای مصرفی، واردات مواد خام و لوازم بدنی و کالاهای واسطه ای کارخانجات ارچ و در پی آن میزان ظرفیت تولیدی این کارخانجات کاهش یافت. مدیریت کارخانجات ارچ پیرو سیاست عمومی بخش دولتی و خصوصی مبنی بر اخراج وسیع کارگری و کارمندی به منظور تخفیف هزینه های پرسنلی، در صد است تا عده کثیری از کارگران و کارمندان کارخانجات ارچ را اخراج کند. اخبار واصله حکایت از آن دارند که احتمال اخراج ۲ هزار کارگر و کارمند از مجموع ۲۰۰۰ پرسنل این واحد تولیدی وجود دارد. احتمال اخراج ۶۵ درصد از کارگران و کارمندان کارخانجات ارچ، موجب نگرانی وسیع کارگران این کارخانجات شده است. کارگران سیاست تخفیف هزینه به بهای اخراج کارگران را قویا محکوم می کنند.

در شهرک البرز شهر صنعتی البرز، فقر قربانی می گیرد

در روز ۲۷ اسفندماه در شهرک البرز در نزدیکی شهر صنعتی البرز، حمام عمومی زنانه، در پی نشست زمین فرو ریخت که در نتیجه آن ۱۷ نفر جان خود را از دست دادند.

کارگرانی که در کارخانه های شهر صنعتی البرز واقع در ۱۵ کیلومتری شهر قزوین بکار مشغول هستند عموما در شهرک های البرز، هادی آباد، هفت دستگاه سکونت دارند، تنها خانه های "هفت دستگاه" از سوی صاحبان کارخانه ها ساخته شده و تحت شرایطی در اختیار کارگران و کارمندان قرار گرفته است. تعداد خانه های هفت دستگاه به میچ رو پاسخگوی نیازهای کارگران شهر صنعتی البرز نیست. از این رو کارگران بناچار در هادی آباد واقع در شمال غربی قزوین و شهرک البرز، با امکاناتی ناچیز به ساختن سرنهایی محقر برای سکونت مبادرت کرده اند که این امر خود مهمترین عامل در آسیب پذیری ساختمان های این دوشهرک و بروز فاجعه ای است که به مرگ ۱۷ تن

کارخانه زامباد، فریاد اعتراض کارگران

کارگران کارخانه زامباد اعتراضات خود به تصمیمات ضدکارگری مسئولین دولتی کارخانه را به شیوه ای نوین جلوه گر ساخته اند. آنان در اس ساعت ۹ با هو کشیدن و سوت و فریاد اعتراض، ناراضیاتی خود را از تصمیمات اتخاذ شده ابراز می دارند و در مواردی به دنبال این فریادهای اعتراض حرکات پرنمودتری نیز صورت داده اند. کارخانه زامباد به تولید "ولوو" و وانت نیسان می پردازد که براساس تصمیم سازمان صنایع ملی و وزارت صنایع سنگین قرار است خط تولید وانت نیسان تعطیل و به تولید آمبولانس اختصاص یابد.

در روز دوم بهمن ماه کارگران کارخانه زامباد برای اعتراض به پلان تکلیفی و خطر بیکاری و اینکه مسئولین بدون توجه به خواسته های کارگران برای آنان تصمیم گیری می کنند دست از کار کشیدند و از ساعت ۹ صبح به مدت ده دقیقه، با فریاد و سوت کشیدن و هو کردن خشم و اعتراض خویش رانست به مسئولین رژیم ابراز داشتند. کارگران پس از انقضای ده دقیقه به کار خود ادامه دادند.

واکنش در برابر پخش اعلامیه در کارخانه زامباد

در اواخر سال ۶۵، اعلامیه ای با امضای جمعی از کارگران کارخانه زامباد که خواسته ها و مسائل کارگری کارگران را انعکاس می داد در این کارخانه پخش شد. پخش این اعلامیه در کارخانه خشم مسئولین کارخانه را برانگیخت. مسئولین کارخانه و عوامل رژیم که از تلاش مذبوحانه خود برای شناسائی، تنظیم کنندگان و توزیع کنندگان اعلامیه در کارخانه طرقي نداشتند، برای ایجاد رعب و وحشت در کارخانه به سیاست اخراج عده ای از کارگران متوسل گشتند. مسئولین کارخانه در صدد آنند که ۲۰ نفر از کارگران این کارخانه را اخراج نمایند. گفته می شود که بیشترین اخراج در قسمت فنی و تراشکاری این کارخانه صورت خواهد گرفت.

مردم از فحطی و گرانی به تنگ آمده اند

طی چند ماهه اخیر، به ویژه بعد از تصویب لایحه بودجه در مجلس ارتجاعی رژیم، گرانی و فحطی ابعاد به مراتب فاجعه بارتری یافته است. جنگ کثیف و فشار و رنجی که رژیم سرمایه داری فقها، اکنون بر زحمتکشان میهنیان تحصیل کرده است، چنانکه و فرساینده است آنچه که در زیر می خوانید برگرفته از گزارشهایی است که به دفتر نشریه رسیده است.

● چند ماه پیش دولت بطور سری، پخشنامه ای به کارخانجات دولتی صادر کرد که برپایه آن، این کارخانجات اجتناس خود را به قیمت آزاد در بازار عرضه کنند. در پی این پخشنامه، توزیع مواد بهداشتی، پوشاک و بعضی از مواد خوراکی در فروشگاههای قدس و سپه قطع شد. اکنون این



بندرانزلی، کودک می داند که سرانجام در کنار پدر کار خواهد کرد. برای آن روز آماده می شود.

خواهد داد. اعلام این خبر از سوی موسوی موجی از اعتراض در بین کارگران بخش خصوصی و غیر دولتی را بوجود آورد، تا اینکه دولت مجدداً عقب نشینی کرده و اعلام داشت کارفرمایان بخش خصوصی هم باید ماهانه ۲۰۰ تومان برای هر کارگر به حساب اتحادیه امکان واریز کنند. با وجود این اکنون که چندین ماه از اعلام این خبر گذشته، دولت هنوز هیچ اقدامی در این زمینه نکرده است. کارگران می گویند، دولت بدون هیچگونه پشتوانه و برنامه ریزی عملی، جهت خاموش ساختن اعتراضات کارگران به اعلام این خبر اقدام نموده است و اکثر کارگران معتقدند که اگر هم دولت به این کار دست بزند، تنها کالاهای غیر اساسی و بدرنخور را در اختیار کارگران خواهد گذاشت. بقیه در صفحه ۱۱

فروشگاهها، همان کالاها را با قیمت سرسام آور بازار آزاد بفروش می رسانند. همچنین قنادیها، کارخانجات بیسکویت سازی و کالپاس سازی که قبلاً سهمیه خود را به قیمت دولتی دریافت می کردند، اکنون آثرا به قیمت آزاد از دولت می خرند و این باعث افزایش قیمت محصولات آنان تا چند برابر قیمت های قبلی شده است.

● چند ماه پیش معاون وزارت کار، بمنظور کاهش اعتراضات و ناراضیاتی گسترده کارگران و زحمتکشان از وضعیت هولناک فحطی و گرانی، اعلام نمود که دولت در نظر دارد ماهانه به هر یک از کارگران معادل ۲۰۰ تومان، پن کارگری بدهد. چندی بعد، موسوی نخست وزیر اعلام کرد که این کمک دولتی تنها کارگران وابسته به دولت را تحت پوشش قرار

در آستانه کنکور سراسری دانشگاهها

گزينش دانشجو در رژيم فقهی

بقیه از صفحه اول

می پذیرفت. در ضوابط جدید برای داوطلبان کنکور که در سال گذشته از سوی هیات گزینش مرکزی منتشر شد بر "لزوم سخت گیری بر معیار مذهبی بودن داوطلبان و تعهد عملی آنان به حمایت از رژیم جمهوری اسلامی" تاکید گردید. به دنبال برگزاری کنکور دانشگاهها در سال گذشته از سوی معاون پارلمانی و مسئول روابط عمومی وزارت فرهنگ و آموزش عالی اعلام شد که "اسامی ۵۰ هزار قبول شده دانشگاه در مهرماه اعلام خواهد شد". اما تا ۲۰ مهرماه فقط ۲۶ هزار نفر از صافی تحقیق ارگانهای اطلاعاتی رژیم گذشته بودند که ۸ هزار تن از آنان نیز افرادی بودند که سپاه پاسداران قبولی آنان را پیشاپیش تضمین کرده بود. مطابق آمار رسماً اعلام شده، ۲۲ درصد از قبول شدگان مرحله اول رشته پزشکی با اتهام عدم احراز "صلاحیت اخلاقی" از تحصیل محروم شدند.

در طی سال گذشته اعتراضات متعددی از سوی شرکت کنندگان در کنکور سراسری که علیرغم داشتن نمرات و رتبههای بالا از سوی هیات گزینش پذیرفته نشده بودند صورت گرفت. این امر تا آنجایی که دامان وابستگان این یان فرد حکومتی را نیز گرفت در صفحات روزنامهها و تریبونهای رژیم نیز بازتاب یافت. از مردادماه رژیم جنگ طلب خمینی تلاش کرد از اشتیاق و شور جوانان به ادامه تحصیل برای کشاندن آنان به جبهه های مرگ استفاده کند. در ۱۶ مرداد ماه سال گذشته مدیرکل گزینش دانشجو در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام داشت، "برای داوطلبانی که علاقمندی خود را جهت شرکت در جبهه های حق علیه باطل اعلام کنند، سهمیه جدیدی برای رایجایی به دانشگاهها با شانس قبولی بیشتر نسبت به شانس قبولی شرکت کنندگان مناطق در نظر گرفته شد".

این فرد در ادامه سخنان خود ابراز داشت، "داوطلبانی که در کنکور شرکت کرده و جزو سهمیه رزمندگان بوده باشند در صورتی

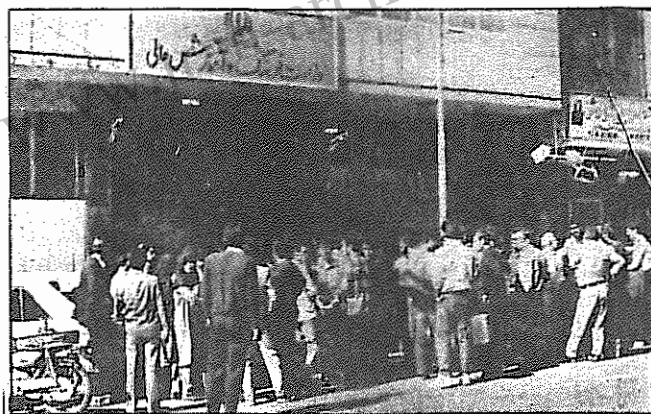
که فرم سه ماهه (تعهد شرکت در جبهه) را تکمیل کنند ۲/۵ برابر شانس قبولی دارند. همین افراد در صورتی که فرم ۶ ماهه را تکمیل کنند، سه برابر شانس قبولی خواهند داشت. همچنین اگر داوطلبانی جزو سهمیه رزمندگان کنکور نبوده باشند و فرم سه ماهه را تکمیل کنند، یک ونیم برابر و در صورتی که فرم ۶ ماهه را تکمیل و ارسال کنند، دو برابر شانس قبولی خواهند داشت".

در روز ۱۸ مرداد سپاه پاسداران برای مشتاقان ورود به دانشگاه "اطلاعیه اعطای امتیاز به داوطلبین اعزام به جبهه" را منتشر ساخت. با صدور این اطلاعیه سپاه پاسداران نیز خود را در گزینش دانشجو که به تنهایی توسط ساواک خمینی و بویژه شکنجه گران دادستانی مستقر در زندان اوین انجام می یافت رسماً و علناً شریک ساخت.

در همان مصاحبه فوق الذکر،

سال ۶۵، تعداد دانشجویان پذیرفته شده در دانشگاههایمان به ۶۵ هزار نفر رسید که بالاترین رقم دانشجویی پذیرفته شده در طول دوران دانشگاهی این مملکت و تقریباً مقداری بیشتر از دو برابر دانشجویان پذیرفته شده در سال ۵۷ است. "و این در حالی است که کاهش تعداد کادر علمی دانشگاهها را در طی این مدت، خود این مقامات با ۵۰ درصد ذکر کرده اند.

فرهادی وزیر آموزش و پرورش همان کسی است که در آذرماه سال گذشته خطاب به معاونان و "کارشناسان" دانشگاهها گفت، "اکنون یک نظام ارزشی جدید را ارائه داده ایم که شرایط نوینی را نیز در دنبال آورده است و در این زمینه باید اعتقادات و صلاحیت های عمومی را مد نظر قرار داد. من بعنوان وزیر فرهنگ و آموزش عالی اعتقاد دارم صد درصد ثمریت دانشگاهها باید از میان کسانی باشد که جبهه و



تهران - آبان ۱۳۶۵
اجتماع اعتراضی پذیرفته شدگان کنکور در برابر وزارت فرهنگ و آموزش عالی

جنگ را دیده ایمان و اعتقاد خود را به اسلام عملاً نشان داده باشند. (کیهان-۱۲ آذر)

وزیر آموزش و پرورش و دیگر سردمداران رژیم قدرت و امکان انتخاب "صد درصد ثمریت دانشگاهها" از میان ایادی خود را ندارند و به همین دلیل می کوشند دیگر داوطلبان را از صافی های متعددی بگذرانند. معاون پارلمانی وزیر فرهنگ و آموزش عالی در روز ۱۹ اردیبهشت تحقیق برای گزینش دانشجو را از طریق ۶ منبع ذکر کرد. وی گفت "صلاحیت شرکت کنندگان در کنکور توسط منبع جداگانه ای بررسی

می شود و علاوه بر آن از پنج منبع دولتی مورد اطمینان هم کسب نظر خواهد شد و چنانچه باز هم به اطلاعات بیشتری نیاز باشد از طریق عرف های داوطلب پرونده تکمیل خواهد شد.

واضح است که منظور از "منابع دولتی مورد اطمینان" و "منبع جداگانه" همان ساواک خمینی و ارگان های مختلف اطلاعاتی رژیم است.

در پایان برای ارائه تصویری زنده از روند گزینش دانشجو در جمهوری اسلامی گزارشی در این زمینه مندرج در نشریه پیشکام شماره ۲۲ راجع می کنیم.

"در اوایل بهمن سال گذشته از طرف اداره گزینش دانشجو به برخی از شرکت کنندگان کنکور اطلاع داده شد در روز و ساعت معینی برای پر کردن فرم به ساختمان اداره واقع در خیابان طالقانی - طبقه پنجم مراجعه کنند. این افراد شامل "بند ۲" بودند (یعنی کسانی که نتوانسته اند در مورد آنها تحقیقات مفصل مقابل ساختمان روز مقرر عده زیادی مقابل ساختمان اجتماع کردند. اسامی افراد را مقابل درب ورودی کنترل کرده و آنها را به طبقه پنجم هیات رسیدگی به شکایات و هیات مرکزی گزینش معرفی می کردند. فرمی مقابل داوطلبین می گذارند که بالایش نوشته شده بود، محرمانه. سوالات حول زندانیان سیاسی در بین فامیل، فعالیت سیاسی، سابقه زندان، معرف و غیره بود. بعد از فرم نوبت مصاحبه بود. قبلاً به کسی در مورد مصاحبه چیزی گفته نشده بود. مسئولین از خروج داوطلبین ممانعت کرده و می گفتند، فقط پس از مصاحبه حق خروج دارید. وقتی یکی از داوطلبین می خواست به خانواده اش که دم در ایستاده بودند، اطلاع دهد که منتظر نباشند، یک نفر محافظ هم همراه او فرستادند. بازجوی مصاحبه ابتدا به ایجاد رعب و وحشت می پرداخت. وی می گفت، من یک متخصص هستم و جاهای زیادی کار کرده ام مثل نخست وزیری دادستانی، کمیته، سپاه و... بعد سعی می کرد مصاحبه شوندگان را فریب دهد و سپس به تهدید متوسل می شد. سؤالات او در مورد گروه های سیاسی مثل فدائیان، توده ایها، مجاهدین، رهبران آنها، عملکردشان و... بود. او از هر حزب و سازمانی از مصاحبه شونده تحلیل می خواست. سؤالاتی هم حول شرکت در نماز جمعه و سایر مراسم مذهبی می کرد. راجع به جریان مک فارلین نیز سؤالاتی می پرسید." ●

بقیه از صفحه اول

از جمله در روز ۶ دی ماه ۱۳۶۳ در دیدار با جمعی از آخوندهای عضو این حزب چنین گفت: "این اختلافات یک واقعیت است. فعلاً بیشترین آن، میان کسانی است که معتقد به دولتی کردن کارها هستند و کسانی که معتقدند با دولتی کردن کارها ضرر می‌کنیم و انکیزه‌ها کشته می‌شود. تعبیر دیگری هم می‌گوید سه جریان در حزب وجود دارد."

در فاصله بین انتخابات مجلس و کنکره دوم حزب در سال ۶۲ بهرحان دم به دم حادثه شد. یکی از جلوه‌های این بهرحان خروج موسوی‌نخست وزیر از حزب بود. او در مصاحبه‌ای با اطلاعات ۲۵ آذر ۶۲ ضمن تایید خبر خروج خود از حزب جمهوری اسلامی، مدعی شد که کابینه او یک کابینه "حزبی" نیست.

در سال ۶۲، موضع خامنه‌ای رئیس جمهور و دبیر کل حزب در مورد بهرحان درونی حزب جمهوری اسلامی را می‌توانیم با توجه به اظهارات خود او مبتنی بر این خطوط اذیم، تأکید بر ضرورت حفظ حزب جمهوری اسلامی، پرده‌پوشی بر روی بهرحان درونی حزب و توضیح اختلافات نه بر مبنای جناح بندی‌های واقعی بلکه بر مبنای "هواهای نفسانی"، او از جمله در ملاقات ۲۱ آذر ۶۲ خود با وزیر کشور، معاونین و وزارت کشور و جمعی از استادان تأکید کرد: "یکی از مشکلات، اختلافات دیدگاه‌ها، پیرامون مسائل اقتصادی است. لیکن آنچه موجب بروز این دیدگاه‌هاست، نه مسائل واقعی اقتصادی، بلکه هواهای نفسانی، قدرت طلبی‌ها، ضعف‌های درونی... و عدم تفاهم‌هاست."

در آن هنگام رفسنجانی برخلاف خامنه‌ای، صریحاً بر وجود یک بهرحان حاد در حزبشان معترف بود. او در روز ۸ آذر ۶۲ در دیدار با مسئولین آموزش این حزب چنین گفت: "اگر باندی خاص در حزب تلاش کند که قدرت را به دست خود بگیرد و برای آن برنامه‌ریزی کند و افرادی را انتخاب کند که در کنفره برود و به دلخواه آنها رای بدهد و بعد از درون کنفره یک نفر را انتخاب کند که در شورای مرکزی، یک جریان قوی‌تر به نفع آنها به راه بیندازد، این درست برخلاف فلسفه تشکیل حزب است... اگر این کار انجام شود، جریان دیگری که احساس می‌کند علیه آن توطئه می‌شود، دچار تصویب متقابل می‌شود و در نتیجه باید این جریان و یا دیگری بیرون برود و

در این صورت افراد برای اتحاد وارد حزب می‌شوند، اما برای تفرقه عمل می‌کنند. این تضعیف حزب است. اگر کسی فکر کند که حزب را باید یک جریان خاص بگرداند، یعنی پذیرفته است که در جامعه باید دو تا حزب وجود داشته باشد، چون طرف متقابل آنها هم ممکن است برای خودشان به فکر تشکیلات جداگانه بیفتند و این یک امر طبیعی است." (اطلاعات - ۱ آذر ۶۲) او در ادامه این سخنان، اظهار داشت که آن "باند خاص" که

میان نمی‌آمد، چرا که سیاست‌گذاری در حزب صورت نمی‌گرفت و انتخابات مجلس در کار نبود تا بر سر آن به مثابه یک ارکان تبلیغاتی کشاکش شود. اما در این فاصله نفوذ آن "باند خاصی" که رفسنجانی بر آن انگشت می‌نهاد، در حزب جمهوری اسلامی بیشتر و بیشتر شد. این "باند خاص" در درون حزب چهره‌هایی همچون عسکر اولادی را داشت و در خارج از آن سخت‌گویی‌هایی همچون روزنامه رسالت را، در مجلس نیز

انحلال حزب جمهوری اسلامی

جلوه دیگری از بحران حکومت فقها

دیگر، صف بندی‌ها بر مبنای "حزبی" و "غیرحزبی" نبود.

در سال ۶۵ رفسنجانی در مواردی حزب جمهوری اسلامی را اودست رفته اعلام کرد. او تأکید داشت که "مسئولین" وقت رسیدگی به حزب را ندارند و حزب کار خود را می‌کند. از آغاز سال تاوه درگیری بر سر انتخابات مجلس آینده باؤتاب علنی یافت. اینجا بود که این مساله برجسته شد که حزب جمهوری اسلامی بر طبق خواسته کدام جناح باید اهرم امکانات تبلیغاتی خود را به کار اندازد. پیروده نبود که خلخال نماینده قم در مجلس، در سخنرانی پیش از دستور اول اردیبهشت خود از ضرورت تخته کردن در حزب جمهوری اسلامی صحبت کرد. او در این مورد گفت: "بهشتی... حزب جمهوری اسلامی ایران را تاسیس کردند و اشراف داشتند و نظارت می‌کردند در تهران و شهرستانها. ولی با کشتن ایشان، مسئولین درجه یکی از قبیل آقای هاشمی و آقای خامنه‌ای با مسئولیت‌های خطیر و سنگین و متعددی که داشتند، آن گونه اشرافی که اوایل بود نبود و لذا گردش حزب جمهوری اسلامی ایران به دست افرادی در تهران و شهرستانها افتاد... که خودشان را مطرح کنند و عده‌ای هم سودجو فرصت طلب از این رخنه استفاده کرده‌اند و به مجلس آمدند... باز ملاحظه می‌کنیم افرادی آمده‌اند و وارد حزب جمهوری شده‌اند، از قبیل انجمن حجیه... به عنوان حزب می‌خواستند ضربه بر حزب بزنند و زدند" (رسالت - ۲ اردیبهشت ۶۶) خلخال در ادامه این اظهارات تلویحاً به بحثی که در میان حکومتیان در مورد سر نوشت حزب جمهوری اسلامی جاری بود، اشاره کرد و

می‌گوید در حزب "قدرت را به دست بگیرد" حق ندارد زیرا عده‌ای خامنه‌ای برود، "حزب شاید باعث بشود که آقای خامنه‌ای از این مقبولیت عامه‌ای که دارند، دور شوند. ایشان مورد پذیرش همه طرز تفکرهای جامعه امروز ما هستند... دقت شود که ایشان را نمی‌توان در یک جریان خاص محدود کرد." سخنان رفسنجانی در حقیقت تذکر به خامنه‌ای بود. رفسنجانی در سال ۶۲ ضمن اعتراف بر واقعیت شکاف‌های درونی این حزب بر ضرورت حفظ وحدت در آن تأکید داشت و از انشعاب در حزب و تشکیل یک حزب جدید اظهار نگرانی می‌کرد. او در این مورد صریحاً می‌گفت: "آنچه ما می‌فهمیم حزب واحد اسلامی است و ما پیش از این به خودمان حق نمی‌دهیم. اگر بنا باشد روزی چند حزب اسلامی در یک جامعه در مقابل همدیگر صرف بکشند، یک جای کار خراب است و اشکالی هم وجود دارد، چون اسلام یکی بیشتر نیست و اصول حکومتی و اجتماعی و اصول فقهی آن تحقیقاً واحد است و حزب نیز دعوت به همین اصول واحد اسلامی می‌کند." (اطلاعات - ۱۱ آذر ۶۲) بنابراین موضع رفسنجانی به دنبال اوچ گیری بهرحان در حزب جمهوری اسلامی بر این اساس استوار شد که یا یک حزب و یا هیچ حزب.

تعمیق بحران

بهرحان مدام تعمیق یافت. حزب جمهوری اسلامی پاره‌ای از دستگاه حکومتی فقها بود و مجموعه تضادهای درونی این دستگاه در داخل آن باز تولید می‌گشت. در سالهای ۶۴ و ۶۵ در هنگام بر ملا شدن جلوه‌های بیشتری از بهرحان درون حکومتی، از حزب جمهوری اسلامی چندان سخنی به

گفت: "کسانی که در فکر احیای حزب جمهوری اسلامی هستند، از این راه به نظر، اینها آهن سرد می‌کوبند، آب در غربال می‌کنند. باید با وحدت و انسجام در زیر پرچم جمهوری اسلامی ایران و قیادت امام امت پیش برویم." (همانجا)

دوم مرحله در حیات

حزب جمهوری اسلامی

حزب جمهوری اسلامی به توسط بهشتی، باهنر، خامنه‌ای، رفسنجانی و عده‌ای دیگر از محارم خمینی تاسیس گردید. هسته اصلی حزب را "هیاتهای موتلفه" - که یک سر آنها در حوزه علمیه و سر دیگر آن در بازار بود - تشکیل داد. در سال ۵۸ مهمترین کارکرد این حزب حکومتی ایجاد هماهنگی بین گروه‌های پیرو خمینی و حکومت اسلامی فقهانی، ستیز با مجموعه نیروهای رقیب و دشمن و بسیج تبلیغاتی در این راستا بود. حزب جمهوری اسلامی وظایف مختلف سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، تبلیغ، به انحصار در آوردن ارگانهای حکومتی و بسیج حزب الله به منظور چماق‌کشی را برعهده داشت. همای استقرار ارگانهای دولتی و جافاقتان آنها، از حیله و طایف این حزب کاسته شد. تا زمانی که حکومت از یکپارچگی مبتنی بر ولایت فقیه برخوردار نبود، حزب جمهوری اسلامی همچنان بخش مهمی از وظیفه هماهنگ ساختن گروه‌های همخوان با ولایت فقیه در برابر مخالفین رژیم و نیز در برابر جناح‌های حکومتی نامهمخوان با ولایت فقیه را پیش می‌برد. در این مرحله، اختلافات درونی حزب به دلیل وحدت همه جناح‌های آن در مقابل خطرات بیرونی نمود برجسته‌ای نداشت.

پس از سال ۶۰ حزب جمهوری اسلامی مرحله دوم حیات شکنین خود را آغاز کرد و در این مرحله موقعیت برنامه‌ریزی، برقراری هماهنگی و سازمان‌کری را تا حدود زیادی اودست داد. اما کارکرد تبلیغی - انتخاباتی آن همچنان باقی ماند. در اینجا بود که اختلافات درونی این حزب برجسته شد، بر روی چه خطی تبلیغ شود و لیست کاندیداهای انتخاباتی بر مبنای خط کدام جناح تنظیم گردد؟ این موضوع در سالهای ۶۱ و ۶۲ حزب جمهوری اسلامی را با کشاکشی جدی مواجه ساخت و پس از درگیری‌های حاد بر سر تنظیم لیست کاندیداهای نمایندگان دوره دوم مجلس، در سال ۶۲ اختلافات را علنی نمود. به تدریج توازن قوا در حزب بهم خورد. این

خمینی:

لکن، من بنا ندارم صحبت کنم

این مقلع تاریخ انقلاب رسید و مشکلات فاشونکزاری را صریح و روشن است، که تشخیص خودتان است و برای ما حجت است، حل نفرمایید، ما نمی دانیم که در آینده چه کسی پیدا خواهد شد که بتواند این مهم را انجام دهد... توی این دوره که بخصوص ما جمعی از مجتهدان و فضلاء حوزه را در مجلس داریم، وقت مناسبی است. البته باز هم آن طوری که خود جناب عالی مصلحت می دانید، عمل خواهد شد. "وی در پایان این سخنان تاکید کرد، "شیوه شما این جوری بوده که شاگردان خودتان را طوری پرورش بدهید که مستقل عمل کنند و وابسته نباشند. ولی اینجا جای وابستگی است. جایی است که مستقل عمل کردن برای کسانی که مرجع تقلید مردم نیستند و نظرشان حجت شرعی نیست، برای مردم دشوار است. ما ضمن این که خودمان خجل هستیم که جناب عالی را با این همه مشاغلان این همه زحمت می دهیم، تقاضا داریم که در حد داعی برای حاضرین، ما را مستفیض بفرمایید."

خمینی نیز در واقع فقط آنها را در حد داعی، مستفیض گرداند و به عجز و لایه های رفسنجانی وقتی نهاد. وی گفت، "من بنا ندارم که امروز صحبت کنم، لکن... من نباید نصیحت بکنم شما، شما بحمد الله خودتان همه چیز را می دانید. کوشش کنید که خدشه وارد نشود در مجلس... همه در سایه اسلام می توانیم این مسائل را حل کنیم، این مساله محفوظ بماند و همه چیز در اسلام محفوظ بماند." خمینی در ادامه افزود که چاره ای جز توکل کردن نیست، "البته من مشکلات مجلس را و مشکلات دولت را می دهم. از این جهت توقع ندارم که همه امور مینظوری حل بشود. لکن در عین حال چون اتکای شما آقایان به خدای تبارک و تعالی است، امیدواریم که خداوند هدایت کند شما... شما هم اعتماد خود را حفظ کنید و مشکلات را با تدبیرهایی که دارید رفع کنید و امیدواریم که خداوند همه را تایید بکند... بهشت و جهنم، این دست ماست کدام را انتخاب کنیم، خداوند به شما توفیق بدهد، خدا شما را حفظ کند..." بدین ترتیب خمینی در چهارمان را نیز بست و نشان داد در چهارمان نیز راه خروج از بن بست حاکمیت فقها پیدا نمی شود.

دیدار روز ۱۴ خرداد مجلسیان با خمینی، بهران حاد حکومت فقها را عیانتر ساخت. در روز چهارشنبه هفته گذشته نمایندگان مجلس و اعضای شورای نگهبان در چهارمان جمع شدند تا خمینی راه خروج از بحران حکومتی را - که در مجلس و در رابطه مجلس و شورای نگهبان بسیار پررنگ است - به آنها بنمایاند. خمینی، لکن بنادداشت صحبت کند. لذا، چشمه دیگری از بند بازپای خود را در برابر آنان به اجرا درآورد و حضرات را ناامید برگرداند.

بهانه دیدار با خمینی پایان هفته مجلس بود. ابتدا رفسنجانی به سخن درآمد. وی باعجز فراوان گفت، "اشارات جناب عالی برای ما کارساز بوده و نمایندگان از شما انتظار دارند، همان ارشاد و معلی و استادی که همیشه نسبت به ما داشته اید، همچنان ادامه پیدا کند و در مقابل مختلف، هر گونه که تشخیص داده می شود که باید مراعات جهات خاصی بشود، ما در جریان قرار بگیریم. لازم است که خدمت رهبر انقلابمان عرض کنیم، یکی از مشکلات موجود در مجلس که من با وجود احساس می کنم، بقیه نمایندگان هم احساس می کنند، این است که در قانون گذاری و در تدوین قوانین اساسی و بنیادین کشور که مورد توقع هم مردم و هم مسئولان می باشد و دشوار گفته می شود که مجلس قوانین بنیادی و اساسی بگذراند و ما هم چنین علاقه ای داریم و هم اکنون تعدادی از قواشین بنیادین در اختیار ماست. لازم است که در محضر جناب عالی اظهار بکنم که تحقیقا ما نیاز به دخالت و کمک صریح جناب عالی داریم... بر مبنای فقهی که تا بحال چنین استفاده ای از او نشده (به عنوان مبنای حکومتگری) حضور یک فکر قاطع، قوی شکست ناپذیری لازم است. شهادت ها، قاطعیت ها، و جسارت هایی را می طلبد که در شرایطی که ما داریم، غیر از شخص جناب عالی هیچ کس زیر این آسمان وجود ندارد که بتواند مسائل را حل بکند" (رادیوی جمهوری اسلامی - اخبار روز چهارشنبه ۱۴ خرداد).

رفسنجانی در ادامه این سخن که به یک اعتبار به هیچ گرفتن حضور کنونی و احتمالی آینده منتظری به عنوان قائم مقام رهبری نیز بود، افزود، "امروز اگر جناب عالی به داد

یک شهر، امام جمعه و جامعه روحانیت برای سیاست گذاری و برای تفظیم لیست کاندید اها "صلاحیت" دارند، با دفتر حزب فراموشی؟ (آنهم حزب فراموشی که خود دو حزب با بیشتر است!) اگر نظرها، اجتهادها و فتواها با هم زاویه بیابند چه باید کرد؟ مگر نه این که به گفته رفسنجانی "اسلام یکی بیشتر نیست" و این اسلام حتی وجود باشد "مجاهدین انقلاب اسلامی" را در کنار حزب جمهوری اسلامی نمی توانست تحمل کند؟

برخی بیامدها

با اشغال حزب جمهوری اسلامی تنها در وجهی از شرایط کشاکش و موضوعات مابه النزاع تغییری پدید آمده است و نه در خود نزاع و درگیری های درون حکومت. اکنون چه کسی می برد؟ با شدتی بیش از گذشته آن کس که ارگانهای دولتی بیشتری را برای بهره برداری به نفع جناح خود در اختیار داشته باشد. بنابراین کشاکش در درون این ارگانها و بر سر آنها شدت می گیرد. حزب منحل شده است، اما ارگانهای حکومتی به ناگزیر "حزبی" تر می شوند - هم ارگانهای حکومتی و هم زواید آنها، انجمن های اسلامی و دیگر تشکلهایی از این دست.

برای این که "فتوا" نقش بیشتری نیز بازی کند، میدان فراختری باز شده است. "جامعه روحانیت مبارز تهران"، "جامعه مدرسین حوزه علمیه قم"، "دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه"، "سازمان تبلیغات اسلامی"، امام جمعه ها، نماینده های خمینی، آیت الله ها، حجت الاسلام ها، ثقه الاسلام ها، طلبه ها و در کنار آنها، به موازات آنها و در هم تنیده با آنها ارگانهای مختلف حکومتی به میدان می آیند و بر سر مصاف مهمی همچون انتخابات مجلس سوم، فتوا صادر می کنند. در این مصاف آن کسی می برد که فتوای چهارمان را برای خود داشته باشد. خمینی در دیدار روز چهارشنبه هفته گذشته خود با مجلسیان از صدور فتوا امتناع ورزید و گفت خودتان بر سر هم دیگر بزنید. اما آیا خمینی همواره می تواند چنین رفتار کند؟ توازن شکفته است و عرصه محدودی برای بند بازی باقی مانده است. ولایت فقیه دستخوش شدیدترین بهران سرتاسر طول حیات نفکین و سیاه خویش است.

سؤال که حکومت بیشتر درست کدام جناح باشد در درون حزب حکومتی این ترجمان را می یافت که افسار حزب حکومتی را کدام جناح باید در دست خود بگیرد. به گفته رفسنجانی حزب جمهوری اسلامی در درون خود دو حزب بود. آیا باید دو حزب بودن تجلی بیرونی نیز پیدا کند؟ آن "باشد خاصی" که رفسنجانی در سال ۶۲ بدان اشاره داشت از امکان پذیر بودن تجلی بیرونی دو حزب بودن به عنوان یک چماق تهدید استفاده می کرد، یا به ما قدرت بیشتر بدهد و یا خود حزب دیگری را تشکیل خواهیم داد و نیروهای خود را از حزب جمهوری اسلامی بیرون خواهیم کشید. همچنان که دیدیم موضع رفسنجانی آن بود که با یک حزب فراموشی و یا هیچ حزب. خامنه ای ضمن پذیرش منطق عدم امکان وجود دو حزب و دو شقه شدن رسی حزب حکومتی بر امکان مصالحه بین جناحین آن تاکید داشت و از همین رو بر خلاف رفسنجانی، اختلافات را پررنگ نمی کرد.

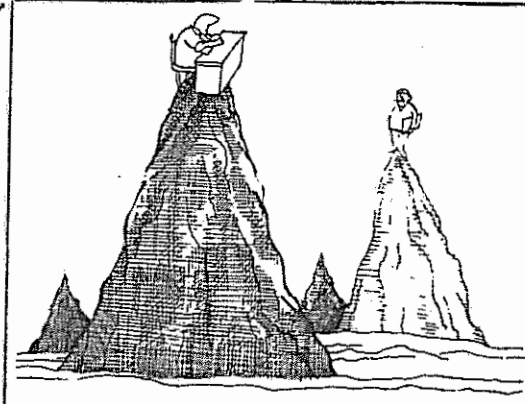
زمینه عمومی بهران

ریشه بهران در حزب جمهوری اسلامی و علت اشغال آن را صرفا نباید در خود این حزب پی گرفت. بهران این حزب و دسته کشی های درونی آن یکی دیگر از جلوه های بهران حاکمیت است. تنها بر زمینه عمومی بهران است که می توان این جنبه از کشاکش و بهران را پی چویی نمود. حزب جمهوری اسلامی بهمان دلیل فلج گردید و منحل شد که زیر پای منتظری خالی شد، که مجلس حکومتیان دو تنه گردید، که کابینه موسوی پس از گرفتن رای اعتماد از یک جناح و رای عدم اعتماد از یک جناح دیگر عرصه تنگی یافت و مدام مورد حمله و فشار قرار گرفت. هیچ کدام از امتیازدهی ها چاره ساز نشدند. فتوای مکرر خمینی هم هیچ مساله را حل نکرد و اختلافات دم بدم تشدید شد.

اما همه اختلافات در زمینه وحدت عمل می کنند، وحدتی که مبنای آن ولایت فقیه، حکومت اسلامی و مشارکت در یک دستگاه حکومتی از پایه و بنیاد ضد خلقی است. موضوع از جنبه نقش و کارکرد تحزب در حکومت فقهائیز قابل بررسی است. در سیستم فقهائی جایگاهی برای حزب پیش بینی نشده است. حزب یعنی حزب الله، اگر "حزب الله" قرار است همان حزب جمهوری اسلامی باشد، جایگاه آن باید تعیین شود. در

پیوند حجره، حوزه و دانشگاه

بستان ۲۲ اردیبهشت ۱۳۶۶



از مسئولین و دست‌اندرکاران دانشگاه آزاد اسلامی خواهشی داریم و آن اینست که ایسن دانشگاه لااقل از نرخهای آزاد تبعیت نکند. کارمند و دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی هستیم، چند روز پیش آگهی ثبت نام دانشگاه را ملاحظه کردم، با کمال تعجب دیدم نرخ ثبت نام برای هر ماده درسی حداقل ۳۰ درصد گران شده است. یعنی هر ماده درسی که سال گذشته سیصد تومان برای ثبت نام آن می‌گرفتند امسال واحدی را پشت سر بگذارند باید ۳۵۰ درصد حقوق خود را به آن اختصاص دهند. این تاسره در نومان می‌توانستیم در امتحان شرکت کنیم، امسال به صد تومان رسیده است. در ترم گذشته ۱۲ واحد الی اللحد، جامه عمل پوشاند. می‌بخش

شهرهای ایران

احمد شاملو

شکاف

زاده شدن
بر نرزه تارک
همچون میلاد گشاده زخمی.

بفر یگانه فرصت را
سراسر
در سلسله پیمودن.

بر شعله خویش
سوختن
تاجرّه واپسین،
بر شعله حُرمتی
که در خاک راهش
یافته‌اند

بردگان
این چنین.

این چنین سرخ و لوند
بر خار بوته خون
وین چنین گردن فراز
بر تازبانه زار تحقیر
گذشتن
و راه را تا غایت نفرت
بریدن.

آه، از که سخن می‌گویم؟
ما بی‌چرا زندگانیم
آنان به چرا مرگ خود آگاه‌اند.

فرمولهای تازه برای ساختن مواد مصرفی

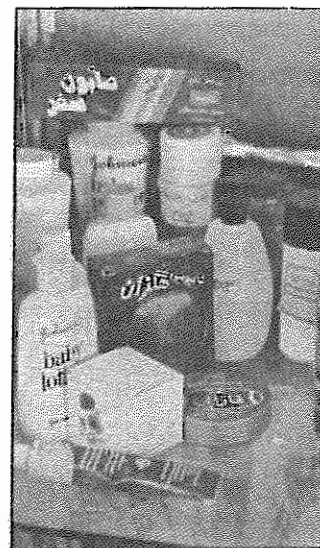
مخلوط کردن چسب کاغذدیواری با آب.

پوشک و نواریه‌دشتی که بایستی تمام استریل و از نوع خمیر مخصوص باشد، با کاغذ پاره و کهنه پاره تهیه می‌شود. ادوکلن با استفاده از الکلهای صنعتی به جای الکل طبی ساخته می‌شود. برای ساختن مربابه‌جای شکر از ساکارز استفاده می‌شود. در ساختن شکلات رنگهای نساجی سلطان زاهه کار می‌رود. در ساختن پفک نمکی از رنگ تارنازین استفاده می‌کنند که سلطان زاست.

همبرگر بایستی ۵۰ درصد گوشت داشته باشد. اما اکنون در ساختن آن تنها از ۱۲ درصد گوشت استفاده می‌کنند، آنهم از روده و غضروف و غیره استفاده می‌شود.

گفتنی است که تنها اجناس دست اول از "مرغوبیت" ذکر شده در بالا برخوردارند. جنس با چند دست چرخیدن ممکن است تغییر "مرغوبیت" دهد و در فرمول آن دستکاری شود. به عنوان نمونه روزنامه کیهان می‌نویسد: یک شامبو - که در اولین مرحله "تولید" به جای ۱۷ درصد مواد پاک کننده حاوی ۲ درصد از این مواد است - چهار یا پنج دست می‌چرخد و هر بار دست هرکس می‌افتد، به آن آب اضافه می‌کند.

روزنامه کیهان در شماره ۲ اردیبهشت خود حاوی گزارشی در مورد مواد مصرفی موجود در بازارهای ایران و طرز ساخت آنهاست. این گزارش نشان می‌دهد که سرمایه‌داری اسلامی برای دزدی بیشتر به چه ابتکاراتی متوسل می‌شود و برای ساختن مواد مصرفی به چه فرمولهای تازه‌ای دست یافته است. بخشی از این فرمولها براساس گزارش کیهان از این قرارند:



"مابع ظرفشویی که باید با اسید سولفوریک و غیره ساخته شود با روغن سوخته ماشین ساخته می‌شود و یا با

بوپال: آثار یک جنایت

مجله هندی "اینندیا تودی"، رقم مولید در بوپال در سال ۱۹۸۵، ۲۵ درصد و در سال ۱۹۸۶، ۲۵ درصد کمتر از سال ۱۹۸۵ بود. در سال ۱۹۸۴ در بوپال ۱۲ هزار فرزند چشم به جهان گشودند. این رقم در سال ۱۹۸۵ به ۷۸۴۲ فرزند کاهش یافت. ۱۴ درصد زایمان‌ها به مرگ فرزند انجامید. پیش از فاجعه، میزان مرگ فرزند ۲ درصد بود.

کاهش میزان مولید در بوپال به علت تأثیری است که گاز سی بر مردان و زنان این شهر گذاشته است.

در شب دوم دسامبر ۱۹۸۴ در یک کارخانه شیمیایی واقع در شهر بوپال هند که متعلق به شرکت آمریکایی بونیون کارباید بود، یک سانحه منجر به نشت گاز شدید اُسی میتل‌ایزوسیانات شد. در عرض چند دقیقه، خیابانها را دود و مه فراگرفت. برای بسیاری از مردم آخرین شب زندگی فرار شده بود. شمار قربانیان به ۲۳۵۵ نفر رسید.

اما آثار و عواقب این جنایت انحصارات امپریالیستی که از آژ و سودجویی مفرطشان نشأت گرفته است، هنوز به قوت خود باقی است. به نوشته



برداشت سبب زمینی - اثر و پیکتور ابراهام

از مبارزات پناهندگان

آلمان فدرال به ایران"، تاکید نمودند.

* در اردیبهشت ماه، در شهر "لمکو" واقع در ایالت نوردراین وست فالن - آلمان فدرال، پناهندگان ایرانی بطور متحد در ساختمان اداره امور پناهندگان به تحصن اعتراضی اقدام نمودند. این اقدام بدنهای خودکشی یک پناهنده جوان ایرانی صورت گرفت. متحصنین، برخورد های غیر انسانی مسئولین امر، و عدم رسیدگی به موقع به وضعیت پناهندگان را از عوامل موثر در اقدام به خودکشی جوان مذکور می دانند. این تحصن پس از مذاکره با رئیس شعبه امور پناهندگان در "لمکو" و وعده رسیدگی به خواستهای پناهندگان از سوی وی، پایان یافت.

در این تجمع اعتراضی، پناهندگان با بزرگ نویسی شعارهایی به زبان آلمانی علیه رژیم خمینی و شایع عکس هایی از جنگ ویرانگر ایران و عراق، خشم و نفرت سوزان خود را از رژیمی که عامل کشتار و آوارگی صدها هزار تن جوان ایرانی شده است، ابراز داشتند.

* در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ماه، ۳۰ تن از پناهندگان ایرانی مقیم شهر "شوالم - ادر - کرایز" اعتصاب غذای سه روزه ای را در اعتراض به عملکرد وحشیانه رژیم خمینی علیه زندانیان سیاسی و برای قطع شکنجه و کشتار و نیز به منظور توقف صدور اسلحه از طرف دول امپریالیستی به رژیم های ضد مردمی ایران و عراق آغاز کردند.

این اعتصاب، از طرف حزب کمونیست آلمان (فدرال)، حزب "سینها" و کلیساهای مورد پشتیبانی قرار گرفت. همچنین خبر این اعتصاب در روزنامه "فریتس - ممبرگ" مورخ یازدهم ماه مه بازتاب یافت.

اعتصاب کنندگان با توزیع اعلامیه ای به زبانهای فارسی و آلمانی بر خواستهای خود مبنی بر تلاش بیشتر سازمانهای بین المللی حقوق بشر در جلوگیری از جنایات حکومت خمینی در قبال زندانیان سیاسی، قطع فوری جنگ ایران و عراق و اقدامات فعالتر نیروهای مترقی آلمان فدرال جهت "افشای ماهیت ارتجاعی رژیم حاکم بر ایران" و محکوم کردن صدور اسلحه از طریق

افزایش بهای نشریه "اکثریت"

بقیه از صفحه اول

توزیع با چه هزینه زیادی صورت می گیرد. در کشورهایی که امکان عرضه نشریه در مکانهای عمومی فراهم شده است تنها بخشی از فروش از این طریق صورت می گیرد. پراکندگی جغرافیایی ایرانیان در هر کشور بگونه ای است که همچنان بخش اصلی توزیع از طریق دست انجام می شود. ما آگاه هستیم که خوانندگان نشریه اکثریت خود از مشکلات مالی جدی رنج می برند و آگاه هستیم که افزایش بهای نشریه - هرچه که اندک باشد - فشاری بر آنان محسوب می شود، ولی در عین حال اطمینان داریم که آنان به مشکلات مالی سازمانهای انقلابی توجه دارند و به ما یاری خواهند رساند. با اطمینان به این امر بهای نشریه افزایش یافته است.

برای آن عده از خوانندگانی که نشریه اکثریت را بپوشه شده اند، طبق روال پیشین نشریه فرستاده خواهد شد ولی تجدید آبونمان و یا آبونمان های تازه مطابق فرمی صورت خواهد گرفت که در صفحه آخر همین شماره چاپ شده است.

نشریه و بویژه هر هزینه توزیع افزوده شد. هم چنین کوشش ما در جهت بالا بردن کیفیت فنی نشریه نیز باعث افزایش مخارج ثابت گردیده است. در طی یک سال گذشته روند افزایش تیراژ نشریه اکثریت حفظ شد. علی القاعده افزایش تیراژ باعث می شود که هزینه تمام شده هر نسخه کاهش یابد. ولی برای اکثریت همین نتیجه بهار نبوده است. زیرا که باتوجه به مشکلات توزیع در خارج از کشور (مشکل مشترک همه نشریات فارسی زبان) افزایش تیراژ تا حدود زیادی به معنی افزایش در تعداد بسته های تک نسخه ای بوده است. هزینه پست هر تک شماره به کشورهای اروپایی، مبلغی نزدیک به نیمی از بهای سابق آنرا شامل می شود. این نسبت برای کشورهای قاره آمریکا، آسیا و استرالیا بیشتر است. اکثریت اکنون در ۳۱ کشور جهان خواننده دارد. اما تنها در قریب نیمی از این کشورها اکثریت در مکانهای عمومی و محل فروش نشریات عرضه می شود. این خود پتنهائی می تواند نشان دهد که

خبرهایی کوتاه از میان نامه ها و گزارش ها

بقیه از صفحه ۶

* در پی افزایش قیمت مواد سوختی (بنزین، نفت، گازوئیل) از طرف رژیم، مسافرتها بین شهری برای مردم دشوارتر از سابق شده است. در داخل شهرم، صفهای طولیل اتوبوسهای واحد، هر روز بیشتر از پیش طولیل تر می شود. اخیرا شایع شده است که دولت می خواهد قیمت هلیپاتوبوسهای شرکت واحد را بالا ببرد. مردم می گویند، دولت باز خودش این مسئله را شایع کرده است تا چند ماه دیگر به افزایش هلیپاتوبوسهای واحد اقدام بکند.

* کمبود کاغذ و گرانی سرسام آور آن، مشکلات زیادی را برای مردم بوجود آورده است. بازار کتاب را کد است و کتابهایی که گاه و بیکاه چاپ می شود، قیمت های فوق العاده گرانی دارد. دانش آموزان و دانشجویان در زمینه کاغذ و نوشت افزار کاملا در تنگنا هستند. آنها برای برطرف کردن احتیاجات اولیه شان، مجبورند آنها را در بازار آزاد و با قیمت های سرکیچه آور تهیه کنند. در توضیح کمبود کاغذ کافی است بگوئیم که روزنامه هاله بین ۲۱ الی ۲۲ ریال فروخته می شود. یعنی از قیمت رسمی خود روزنامه هم گرانتر. گاهی دیده می شود که روزنامه فروشی ها، قبل از رساندن روزنامه ها بدست مردم،

نصف شب، جلوی مغازه ها صف می کشند و عده زیادی از آنها حتی تحت این شرایط نیز نمی توانند سهمیه خانواده خود را دریافت کنند. این وضعیت فشار مضاعفی است که جان مردم را به لبشان رسانده است. مردم اعتراض خود را به این وضعیت طاققت فرسا، با لعن و نفرین به رهبران رژیم ارتجاعی ابراز می کنند. * روغن نباتی در بازار آزاد نیز به سختی یافت می شود. اخیرا عده ای از تجار به مقدار زیادی روغن های اسید چرب با مارکهای ارکی از سنگاپور وارد کرده اند که با قیمت گران توزیع می کنند. و این در حالی است که این روغن ها مصرف خوراکی ندارند و علاوه بر آن پرتوزا بوده و در طولانی مدت اثرات سو بر سلامت مردم می گذارد. رژیم بالاخره پس از مدتی اعلام کرد که این روغن ها قابل مصرف نیستند. با این وجود، اکنون به وفور همین روغن ها در مغازه ها بفروش می رسد.

* عدم دسترسی به داروهای مورد نیاز بیماران، یکی از مشکلات کشته مردم است. اکثر داروهای مورد نیاز در هیچ داروخانه ای یافت نمی شوند. البته این داروها در بازار آزاد با قیمت های سرسام آور قابل دسترسی است. اکنون در داروخانه های ایران نه تنها داروهای بیماران قلبی، عصبی، مغزی و... اصلا وجود ندارد، بلکه دست یافتن به یک اسپرین هم بتدریج غیر ممکن می شود.

آنها را به صورت کلی می فروشند. شایع است که بزودی قیمت روزنامه به ۲۰ الی ۴۰ ریال خواهد رسید.

* در این اواخر، رژیم فاصله اعلام موعد توزیع کوپن های اساسی بویژه گوشت، مرغ، صابون، پودر و... را زیادتر کرده است. قیمت کالاهای اساسی در بازار آزاد بطور سرسام آوری افزایش یافته و بعضی از کالاهای پندرت قابل دسترسی است. از این وضعیت سرمایه داران و چپاولگران با شهامت بیرحمی استفاده کرده و خون مردم را در ریشه می کنند. قیمت بخشی از کالاهای مورد نیاز مردم در بازار آزاد به فراز بر است.

گوشت گوسفند ۲۰۰ کیلویی ۲۰۰ تومان
گوشت مرغ ۱۱۵ کیلویی ۱۱۵ تومان
پودر لباسشویی ۹۵ کیلویی ۹۵ تومان
پودر ماشین رختشویی ۲۴۰ کیلویی ۲۴۰ تومان
صابون ۱۰۰ گرمی ۲۵ تومان
مایع ظرفشویی نامرغوب ۲۵ کیلویی ۲۵ تومان
شامپوی غیر استاندارد ۷۰ قوطی کوچک ۷۰ تومان
شامپوی بچه ۱۲۰ قوطی کوچک ۱۲۰ تومان
نوشابه ۶ قوطی ۶ تومان
روغن نباتی ۱۸۰ کیلویی ۱۸۰ تومان
اکنون، بعد از هرنوبتی که توزیع کوپن های گوشت و مرغ اعلام می شود، مردم از ساعت ۲ بعد از

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

مقاله ای از نگویین وان لین، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام

گامی مهم در راه نوسازی

۱- ضروری است که برنامه جامع برای تولید مواد غذایی و مایحتاج اولیه، کالاهای مصرفی و کالاهای صادراتی، تدوین و اجرای آن سازماندهی شود. در این برنامه ها آهنگ و محتوای روند صنعتی شدن سوسیالیستی در مرحله آغازین دوره گذار به سوسیالیسم بطور مشخص تعیین می گردد.

برای کشاورزی به مثابه مبنای تحقق همه اهداف تعیین شده اهمیت درجه اول گذاشته شده است. صنایع سنگین و زیرساخت به ویژه در این رابطه ساخته شده و گسترش می یابند...

۲- دگرگونیهای سوسیالیستی باید پیوسته در چنان اشکال و با چنان آهنگی انجام پذیرد که مناسبات تولیدی مطابق با خصلت و سطح رشد نیروهای مولده باشد. بخش سوسیالیستی باید از طریق تکامل بخشیدن به اشکال مالکیت و مکانیزم مدیریت و توزیع آنگونه تقویت گردد که بخش دولتی مواضع رهبری خود را تحکیم کرده و به اتفاق بخش تعاونی در اقتصاد، به عامل تعیین کننده تبدیل شود. در قبال بخش تولید خرده کالایی و بخش سرمایه داری خصوصی (سرمایه داران کوچک) در برخی شاخه های تولید و در بخش خدمات باید طبق این اصل حرکت کرد: "بهره گیری از آنها برای دگرگونی و دگرگونی آنها برای بهره گیری بهتر از آنها". باید رشد اقتصاد خانوادگی تشویق شده و زحماتشان که بر مبنای فردی کار می کنند، به سمت کار جمعی جلب گردند. باید همکاری بخشهای مختلف اقتصاد مطابق با اصل اشتراک متقابل منافع و برابری در مقابل قانون و نیز بنای نقش آنها در جامعه تقویت یابد.

۳- باید مکانیزم مدیریت در اقتصاد سوسازی شود، مجموعه روشهای تمرکز بوروکراتیک قاطعانه از میان برداشته شود و نیز نوعی مکانیزم برنامه ریزی ایجاد گردد و شکل گیرد که بر پایه اداره سوسیالیستی اقتصاد و حسابرسی اقتصادی با رعایت اکید اصل سانسورالیسم دموکراتیک استوار باشد...

۴- باید نقش علم و فن به مثابه نیروی محرکه تولید بگونه ای تعیین کننده افزایش یابد...

۵- باید فعالیت اقتصادی خارجی گسترش یابد و موثرتر گردد. اقتصاد جمهوری سوسیالیستی ویتنام باید بگونه ای پیگیری وارد تقسیم کار بین المللی شود. این امر به ویژه و بطور عمده باید از طریق کسب تخصص و همکاری همه جانبه با اتحاد شوروی، لائوس و کامبوج و همه کشورهای دیگر جامعه سوسیالیستی تحقق یابد. باید با سرعت بیشتری مناسبات اقتصادی با کشورهای "جهان سوم"، کشورهای صنعتی سرمایه داری، سازمانهای بین المللی و شرکتهای خصوصی خارجی بر پایه برابری و سود متقابل ایجاد شود...

اهداف اجتماعی

کنگره به روشنی و صراحت مقرر داشت که سیاست اقتصادی باید بگونه ای تفکیک ناپذیر با سیاست اجتماعی پیوند داشته باشد. سیاست اجتماعی باید در خدمت رشد همه جانبه تواناییهای انسان به مثابه عالیترین هدف حزب کمونیست ویتنام قرار گیرد. حزب ما ضرورت ارتقای نقش انسان را در ساختمان سوسیالیسم و دفاع از میهن، اجتناب ناپذیر می داند.

و اراده گرایی، ساده انکاریها در اندیشه و عمل، پیشروی بیش از حد سریع، تضعیف مدیریت رشد اقتصادی و اجتماعی و نیز عدم توجه کافی به قوانین عینی ساختمان جامعه فوین بودند. در این پدیده ها، نفوذ ایدئولوژی خرده بورژوازی و نیز اشکالات "چپ" و راست خود را عیان می ساخت. در تحلیل نهایی، اشتباهات و نواقص ریشه در ضعف های کار ایدئولوژیک، سازمانگرانه و تربیتی و برکاماری کادرها در حزب داشته اند. ریشه ناپسمانی در اینجا است.

درسهای کنگره

کنگره از عملکرد دوره های گذشته درسهای مهمی گرفت، اولاً حزب باید در کل فعالیت خود آموزش "همه چیز ریشه در مردم دارد" را رهنمون قرار دهد، حق زحمتکشانی مبنی بر اعمال جمعی قدرت را به کرسی بنشاند، و طبق آن عمل کند. شایه باید همواره از وضع واقعی حرکت کرد، قوانین عینی را در نظر گرفت و بر طبق آن عمل نمود. ثالثاً باید "تلفیق نیروی ملت با امکانات دوران" در شرایط نوین را فرار گرفت. رابعاً لازم است که ساختار حزب بر وظایف سیاسی حزب حاکمی منطبق گردد که در راس یک خلق در حال تحقق بخشیدن به ساختمان سوسیالیسم قرار دارد.

کنگره از تحلیل اوضاع داخلی و بین المللی چنین نتیجه گرفت که انقلاب ویتنام کماکان دو وظیفه استراتژیک در پیش رودارد: ساختمان موفقیت آمیز سوسیالیسم و دفاع ملتش از کشور. امروز ساختمان سوسیالیسم در درجه نخست اهمیت قرار گرفته است. در مرحله آغازین دوره گذار، هدف، تثبیت همه جانبه اوضاع اجتماعی-اقتصادی و در مرحله بعدی - ادامه ایجاد شرایط ضروری برای شتاب بخشیدن به امر صنعتی کردن سوسیالیستی است. این امر بدین معنی است: تولید باید پاسخگوی تقاضای مصرف کنندگان باشد و ایجاد منابع انباشت را امکان پذیر سازد، باید ایجاد یک ساختار اقتصادی معقول را که به رشد تولید یاری رساند، آغاز کرد، باید مناسبات تولیدی نوین را مطابق با خصلت و سطح رشد نیروهای مولده تحکیم و تکامل بخشید، باید ضروریات تحکیم آمادگی دفاعی و امنیت کشور را به حساب آورد.

بدین منظور باید قبل از هر چیز سیاست اقتصادی و اجتماعی را از شوشل دهیم تاحق مردم زحمتکش در اعمال جمعی قدرت را تقویت کرده، شور و شوق خلق را افزایش بخشیده و جنبش توده ای فعالی برای تحقق همزمان سه انقلاب - در مناسبات تولیدی، در علم و فن و نیز در ایدئولوژی و فرهنگ - به وجود آوریم.

هدف اصلی برنامه ها و سیاست اقتصادی ما این است که همه ظرفیتهای توانمندی کشور و نیز کمک بین المللی را مورد استفاده قرار دهیم تا رشد پویای نیروهای مولده را در عین شکل گیری و تقویت مناسبات تولیدی سوسیالیستی تضمین کنیم.

وظایف پنج ساله آینده

کنگره برای دوره ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۰ وظایف زیر را به عنوان مهمترین وظایف اجتماعی و اقتصادی تعیین کرد:

پس از پیروزی بر متجاوزان آمریکایی، آزادی کامل و احیای وحدت ویتنام خلق ما تحت رهبری حزب وارد مرحله نوینی از انقلاب، مرحله ساختمان سوسیالیسم و دفاع از میهن سوسیالیستی شد. در این راه، کنگره ششم حزب کمونیست ویتنام که در سامبر ۱۹۸۶ برگزار شد، نقطه مهمی بود.

به افتخار کنگره، در سراسر کشور مسابقه ای انجام گرفت. در گردهایی ها، کمیته ها و نیز همه زحمتکشان دیگر، طرح گزارش سیاسی کمیته مرکزی را به دقت مورد بحث قرار دادند. پیش از یک میلیون تن از شهروندان نظر خود را ابراز داشتند و پیشنهادهای سازنده ارائه کردند. بسیاری از این پیشنهادها منظور گردید، گزارش راغنی تر ساخت و به این امر یاری رساند که تصمیمات مصوب، باؤم بیشتر بر ضروریات کنونی انقلاب ما انطباق داشته باشد.

بررسی گذشته

کنگره ششم اوضاع کشور را به دقت تحلیل کرد. پنج سال گذشته برای حزب و خلق ما سالهای آزمون بودند. انقلاب ویتنام در موقعیت مناسب بین المللی و داخلی گسترش یافت، اما دشواریهای جدی نیز وجود داشت. ویتنامی ها در تحقق اهداف و وظایف تعیین شده توسط پنجمین کنگره حزب کمونیست ویتنام با شجاعت، بسیاری از موانع را پشت سر گذاشته و در ساختمان سوسیالیسم، در دفاع از میهن و در اجرای وظیفه انترناسیونالیستی خود به موفقیت های بزرگی دست یافتند.

با تحقق دو وظیفه استراتژیک (منظور، ساختمان سوسیالیسم و دفاع از کشور است - هیئت تحریریه "مسائل صلح و سوسیالیسم")، تحکیم همبستگی و همکاری همه جانبه با اتحاد شوروی، جمهوری دموکراتیک توده ای لائوس، جمهوری توده ای کامبوج و سایر کشورهای برادر، تقویت دوستی و همکاری با دولت هایی که به استقلال ملی خود دست یافته اند و با همه نیروهای ترقیخواه و صلحدوست سیاره ما، شرایط نوینی برای ادامه پیشروی انقلاب در ویتنام فراهم آمد.

برای ارزیابی عینی از اوضاع در کشور ما، همانگونه که کنگره خاطر نشان ساخت، ضرورت داشت که به واقعیت نگاه کنیم، موقعیت را به دقت تحلیل نماییم و صادقانه حقیقت را بگوئیم. کنگره حزب، دستاوردها را مورد تقدیر قرار داد، اما در عین حال کل پیچیدگی موقعیت اجتماعی-اقتصادی را آشکار ساخت. ارقام رشد تولید و سرمایه گذاری کافی نیستند، در گردش کالا و پول و نیز در توزیع اختلالاتی بیش می آید، در اقتصاد عدم تناسب های عمده ای وجود دارد که تنها به کندی برطرف می گردند و در بعضی مناطق حتی افزایش می یابند، مناسبات تولیدی سوسیالیستی به میزان رضایت بخش تکامل نمی یابند، در زندگی مردم هنوز دشواریهای متعددی وجود دارد، در جامعه پدیده های منفی بروز می کنند، آنهم در برخی موارد پدیده هایی واقعاً جدی.

کنگره، صادقانه نواقص و اشتباهاتی را که مدت طولانی در فعالیت رهبری حزب و اداره دولتی صورت می گرفت، نشان داد. در تعیین اهداف اصلی سیاست، تحقق استراتژی درست و سازماندهی کار برای دستیابی به اهداف تعیین شده، ارزیابی های نادرست وجود داشت. ریشه های اصلی این اشتباهات، به ویژه در سیاست اقتصادی، ذهنی گرایی

در سالهای آتی، یک وظیفه درجه اول اجتماعی-اقتصادی، تأمین اشتغال برای همه است. در عین حال باید به برنامه ریزی خانواده توجه زیادی مبذول داشت تا رشد جمعیت مهار شود...

خلق حاکم بر سر نوشت خود

گسترش حق مردم زحمتکش بر اعمال جمعی قدرت به عقیده حزب ما شرط فوق العاده مهمی برای اجرای وظایف استراتژیک انقلاب ویتنام در شرایط نوین است.

برائیک نشان می دهد که پیشرفت انقلابی تنها زمانی صورت می پذیرد که خلق در پناه خود درباره زندگی خود تصمیم می گیرد. افزایش نقش زحمتکش در اداره اقتصاد و امور اجتماعی، همانگونه که کنکره مقرر داشت، باید در همان مرحله جستجوی راه و اتخاذ تصمیم صورت پذیرد. حق مردم مبنی بر اعمال جمعی قدرت باید از لحاظ قانونی تثبیت و از لحاظ سازمانی تضمین شود. گسترش دموکراسی باید همراه با تقویت انضباط باشد. حقوق و منافع شهروندان از مسئولیت و احساس وظیفه آنها جدایی پذیر نیستند. تجارب می آموزند که مردم باید در جریان امور قرار گرفته و در بررسی مسائل مهم، در تعیین تدابیر و کنترل اجرای آنها سهیم باشند. ما می گوئیم که این اصول در زندگی روزمره جامعه نوین، تبدیل به معیار دائمی و ماهیت نظامی که خلق در آن به طور واقعی اعمال قدرت کند، گردد.

زحمتکش ویتنام حق اعمال قدرت جمعی خود را در جامعه به کمک دولت، که نماینده آنهاست، جامعه عمل می پوشانند. دولت ما که توسط خلق و برای خلق برپا شده، ابزار دموکراسی سوسیالیستی است. گسترش دموکراسی سوسیالیستی و افزایش بازدهی اداره دولتی بگونه ای اجتناب ناپذیر یک کل واحد را تشکیل می دهند. ما باید آنچنان مکانیزم مدیریتی ساخته و در همه جا در عمل به کار گیریم که به مردم زحمتکش امکان دهد از حق اعمال قدرت جمعی خود استفاده کنند. ارگانهای منتخب جمهوری سوسیالیستی ویتنام - از مجلس شورای ملی و شورای دولتی گرفته تا شوراهای مردمی در همه سطوح - باید در پیوند نزدیکی با مردم باشند، وظایف خود را دقیقاً اجرا کنند و حقوق تثبیت شده در قانون اساسی را تأمین نمایند. به ویژه باید قانونیت سوسیالیستی و کنترل فعالیت ارگانهای مدیریت تحکیم یافته و نیز دستگاه دولتی دگرگون و ساده تر شود تا بهتر از عهده وظایف خود برآید و در تدوین سیاست عملی، مشی حزب را در قالب قوانین و معیارهای حقوقی به صورت مشخص درآورد. ما کاهش شمار حلقه های واسطه در مدیریت و جلوگیری از دخالت بیش از حد آنها در فعالیت تولیدی و اقتصادی واحدهای اقتصادی را اجتناب ناپذیر می دانیم...

ساختار حزب

کنکره بخش زیادی از نیروی خود را به امر تکامل بخشیدن به ساختار حزب اختصاص داد، چرا که حزب کمونیست ویتنام به مثابه حزب حاکم در جامعه مسئولیت تحقق موفقیت آمیز دو وظیفه استراتژیک را بر عهده دارد. به ویژه طرز فکری نوین بطور عمده در عرصه اقتصادی و نیز تغییر سبک مدیریت وکل سبک کار حزب ضروری است. کنکره مقرر داشت که حزب باید بگونه ای تزلزل ناپذیر به مبانی علمی مارکسیسم - لنینیسم وفادار مانده و میراث گرانبه و انقلابی ایدئولوژیک - تئوریک پرزیدنت هوشی مین و سایر رهبران حزب کمونیست ویتنام را

تکامل بخشد، دستاوردهای غنی تئوری و برائیک احزاب برادر را مورد مطالعه قرار دهد و به قله های دانش امروزین دست یابد. آنچه اهمیت فراوان دارد، این است که به پژوهش تئوریک حرکت جدیدی داده شود، تجارب گردآمده در ساختمان سوسیالیسم و دفاع از مبین بگونه ای سازمان یافته تعمیم یابد، از آن درسهای سودمند گرفته شود و نسخه های اشتباه آمیز و کهنه شده کنار گذاشته شوند.

نمایندگان کنکره به بررسی مسائل دموکراتیک کردن سیاست کادرها پرداختند. ما برای ارزیابی منظم، گزینش صحیح و به کارگیری درست کادرها و نیز آموزش و تخصص یافتن آنها در دوره های مختلف و با کار عملی اهمیت زیادی قائلیم. تنها از این طریق است که کادرهای دارای تخصص بالا که بتوانند با درایت رهبری و اداره کنند، آموزش می یابند. طبیعی است که جوان کردن کادرها نیز ضروری است. در این رابطه باید برای تناسبی معقول میان رفقای جوان و مسن تر ارزش قائل شد. همانگونه که در کنکره تأکید گردید، باید اکیدا از اصل سائترالیسم دموکراتیک و معیارهای زندگی حزبی حرکت کرد، اشتقاق و انتقاد از خود را گسترش داد، دموکراسی درون حزبی را تکامل بخشید، انضباط را در دستگاه حزبی و دولتی تحکیم کرد، واقعیات را بیشتر به حساب آورد و در میان توده های خلق فعالیت نمود.

در کنکره خاطر نشان گردید کمونیستها باید در حرف و عمل قاطعانه با هر شکل ظهور اپورتونیسم، فردگرایی، جاه طلبی، حرص و آز، خودمحوری، برتر شمردن منافع موسسه خودی، فساد، سوء استفاده از مقام و امتیازات ویژه مبارزه کنند. حزب، حرص و آز و خودخواهی و نیز نقص اصل مالکیت سوسیالیستی و خدشه وارد کردن به منافع خلق را محکوم و شدیداً مجازات خواهد کرد.

حفظ و تحکیم وحدت حزب کمونیست ویتنام بر پایه اصل انتقاد و انتقاد از خود بپوشویی اهمیت ویژه دارد. ما از این اصل پیروی می کنیم که وحدت حزب را باید همچون مردمک چشم محافظت کرد. کنکره، کمیته مرکزی را مأمور تدوین برنامه جامع انقلاب سوسیالیستی برای کل دوره گذار به سوسیالیسم و ارائه آن به کنکره هفتم حزب کمونیست ویتنام برای بررسی نمود.

سیاست خارجی

در سیاست خارجی وظیفه حزب و دولت آن است که "وحدت نیروی ملت و امکانات دوران" را در خدمت خلق قرار دهند تا اهداف ملی تحقق یافته و تعهدات بین المللی ما انجام پذیرند. ما برای حفظ صلح در هندوچین، برای صلح در جنوب خاوری آسیا، منطقه آسیا و اقیانوس آرام و کل جهان مبارزه و با سیاست محافل امپریالیستی برای افزایش تسلیحات و تدارک جنگ هسته ای مقابله خواهیم کرد. کنکره بر ضرورت استفاده از شرایط مساعد بین المللی برای تعمیق ساختمان سوسیالیسم و تقویت نیروی دفاعی کشور تأکید ورزید.

حزب کمونیست ویتنام و همه مردم ویتنام بلاشکراف بر این عقیده اند که همبستگی و همکاری همه جانبه با اتحاد شوروی محور مشی بین المللی ما را تشکیل می دهد. ما بطور کامل سیاست داخلی و خارجی اتحاد شوروی، مصوب بیست و هفتمین کنکره ح. ک. ا. ش را مورد پشتیبانی قرار داده و می گوئیم مفاسبات دوستی و همکاری با سایر کشورهای برادر سوسیالیستی را گسترش بخشیم و به امر تقویت قدرت

و افزایش نفوذ جامعه سوسیالیستی یاری رسانیم... حزب کمونیست و همه مردم ویتنام آگاهند که رشد و تحکیم مفاسبات ویژه میان کشورهای هندوچین - ویتنام، لائوس و کامبوج، همبستگی و احترام به استقلال و نیز حاکمیت هر یک از این کشورها، همکاری همه جانبه و کمک متقابل آنها در سازندگی و دفاع از مبین قانونمندی عینی موجودیت و پیشرفت سه خلق برادر به شمار می رود.

حزب ما فعالانه در تقویت وحدت جنبش بین المللی کمونیستی و کارگری بر پایه مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتاری می کوشد، و همکاری با احزاب برادر در مبارزه برای صلح، استقلال ملی، دموکراسی و سوسیالیسم را گسترش می بخشد.

ما بگونه ای پیگیر و نامحدود از جنبش رهایی بخش خلقهایی که برای استقلال ملی و علیه امپریالیسم، استعمار و نژادپرستی می رزمند، پشتیبانی می کنیم. ما بطور کامل اهداف و الای جنبش غیر متعهد را تأیید کرده و برای ادامه رشد آن در حد توان خود می کوشیم.

حزب کمونیست ویتنام با تأکید از مبارزه قهرمانانه طبقه کارگر و خلقهای کشورهای صنعتی سرمایه داری علیه ستم و استثمار آنها توسط سرمایه داری انحصاری و برای صلح، دموکراسی، تأمین اشتغال و ارتقای سطح زندگی حمایت می کند.

ما کمونیستهای ویتنام خواستار سیاست همزیستی مسالمت آمیز میان کشورهای دارای نظامهای اجتماعی و سیاسی متفاوت هستیم و از تلاشهای خستگی ناپذیر اتحاد شوروی برای محو سلاحهای هسته ای و ایجاد نظام همه جانبه امنیت بین المللی، که شامل هم عرصه نظامی و هم عرصه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی باشد، پشتیبانی می کنیم...

خلق ویتنام پیوسته خواستار گسترش دوستی و همکاری با دولتهای جنوب خاوری آسیا و برقراری مفاسبات همزیستی مسالمت آمیز با آنهاست تا این منطقه به منطقه صلح، ثبات و همکاری تبدیل شود.

دولت و مردم ویتنام آماده اند بر پایه حقوق برابر و احترام متقابل به استقلال و تمامیت دوطرفه، مذاکراتی با چین در هر زمان، در هر مکان و در هر سطح آغاز کنند تا مفاسبات ویتنام و چین تنظیم گردد و عادی شود و برای خدمت به امر صلح در جنوب خاوری آسیا و در کل جهان، دوستی میان دو کشور احیا گردد.

عزم راسخ به ادامه مبارزه

حزب کمونیست ویتنام و همه مردم ویتنام با وفاداری به مارکسیسم - لنینیسم و با الهام از اندیشه ها و احساسات انقلابی رهبر بزرگ هوشی مین، درفش صلح، استقلال ملی و سوسیالیسم را همچنان برافراشته نگه خواهند داشت. ما مبین پرستی واقعی را با افترناسیونالیسم پرولتاری پیوند می دهیم و هر آنچه در توان داریم انجام خواهیم داد تا وظایف ملی و بین المللی خود را در قبال خلقهای جهان انجام دهیم. کمونیستهای ویتنام عزم راسخ دارند که در مبارزه برای تحقق این وظیفه شکوهمند انقلابی به پیش روند.

حزب کمونیست و همه مردم ویتنام با اتکاب به تجارب مرحله پیشین ساختمان سوسیالیسم و دفاع از مبین سوسیالیستی، و سرشار از روح نوآوری که هرکنکره ششم حاکم بود، اعتقالاتی انقلابی و بزرگ را از سر می گذرانند و در این راه مبارزه می کنند که وظایف تعیین شده توسط حزب تحقق یابد.

نگاهی به آمار طلاق در کل کشور

دو برابر و نیم این میزان در سال ۵۷ رسید. بیشترین میزان طلاق در سالهای نخست ازدواج اتفاق می افتد. نسبت طلاق به ازدواج بنا به آمار رسمی (سالنامه آماری ۱۳۶۲) در سال ۶۲ به ۸/۷ درصد رسید. این نسبت در تهران ۱۴/۷ درصد گزارش شده و میزان طلاق نسبت به ازدواج در استان باختران ۱۶/۹ درصد اعلام گشته است. افزایش میزان طلاق در استان چنگ زده باختران و شهر تهران نمایشگر پیوستگی مسئله طلاق با نابسامانی های اجتماعی است.

میزان طلاق در مناطق شهری و روستایی کشور (مزارنفر)

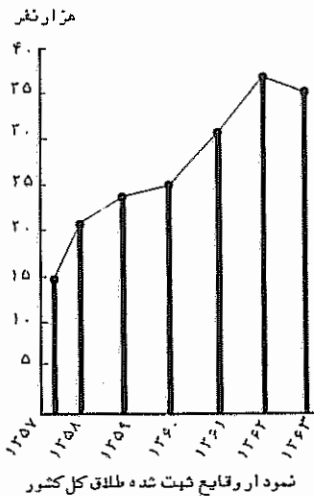
سال	شهرها	روستاها	کل کشور
۱۳۵۰	۱۲	۴	۱۷
۵۱	۱۵	۳	۱۸
۵۲	۱۶	۳	۱۹
۵۳	۱۷	۳	۲۰
۵۴	۱۴	۳	۱۷
۵۵	۱۵	۳	۱۸
۵۶	۱۴	۳	۱۷
۵۷	۱۲	۳	۱۵
۵۸	۱۶	۶	۲۲
۵۹	۱۹	۵	۲۴
۶۰	۲۰	۴	۲۴
۶۱	۲۶	۵	۳۱
۶۲	۳۱	۵	۳۶
۶۳	۲۹	۶	۳۵

نسبت طلاق به ازدواج در کل کشور در سالهای اخیر روبه فزونی است. میزان طلاق گرچه در روستاهای کشور نیز افزایش یافته ولی شتاب فزایش آن در جامعه شهری بسیار بیشتر است. هرگاه سیر شوسان در مدار نسبت طلاق به ازدواج را در فاصله زمانی قبل از انقلاب تاکنون در نظر بگیریم، واضح خواهد بود که میزان طلاق نسبت به ازدواج در سالهای ۵۱ تا ۵۵ در مقام مقایسه با سالهای پیش از آن فزونی گرفت. در سال ۱۳۵۶ نسبت طلاق به ازدواج رو به کاهش نهاد و در سال ۵۷ به کمترین حد خود در ۱۷ سال اخیر (مدت زمان مورد بررسی) رسید. علت کاهش نسبت طلاق به ازدواج در سالهای ۵۶ و ۵۷ را باید دیدار شدن امواج انقلاب می توان توضیح داد. انقلاب ناامیدی راحتی در عرصه مناسبات خانوادگی نیز از میدان بدر می کرد.

نمودار نسبت طلاق به ازدواج که در سال ۵۷ به پایین ترین حد رسیده بود، در سال ۵۸ مجدداً سیر صعودی خود را در پیش گرفت و از آن زمان تاکنون این نسبت بطرز بی سابقه ای افزایش یافته است. میزان طلاق در سال ۶۲ به

قوانین جمهوری اسلامی برای مردان حق چند همسری را برسمیت شناخته است و این یکی از عواملی است که باعث طلاق می شود. در تاریخ ۹ مرداد ۱۳۶۳ پدنهال تصویب شورای نگهبان، ازدواج مجدد بدون اجازه همسر نخست کمترین مجازاتی برای مرد در بر ندارد. پیش از این طبق ماده ۱۷ قانون حمایت خانواده، هرگاه مرد بدون اجازه همسر شصت اقدام به "اختیار نمودن" همسر دوم می نمود به حبس ۶ ماه تا یکسال محکوم می شد و همین مجازات در مورد عاقد، سردفتر ازدواج و همسر جدیدی "که عالم به ازدواج سابق مرد بود" نیز اعمال می گردید. قانونگذاران جمهوری اسلامی چنین محدودیتی را برای مردان غیر اسلامی داشته و حذف کردند.

از سوی دیگر جمهوری اسلامی پدنهال تصویب قانون حق حضانت کودکان، گام دیگری در پیاپیال کردن حقوق زنان برداشته است. طبق این قانون، بچه تا دوسالگی به مادر و بعد از آن به پدر سپرده می شود. در مورد فرزند دختر، مادر حق سرپرستی دارد، البته با رضایت پدر، دادگاه می تواند حضانت فرزند را به مادر بسپارد اما همیشه مرد می تواند به دادگاه مراجعه کند و مادر را از



نمودار وقایع ثبت شده طلاق کل کشور

حضانت خلع نماید. برخی از مردان که آمادگی و تمایل پذیرفتن حضانت کودکان را ندارند حق حضانت مادر را لغو می کنند تا بتوانند او را وادار به پذیرفتن شرایط مورد نظر خود برای طلاق، "بدل مهریه" و گاهی ادامه زندگی در شرایط نامطلوب (از جمله ازدواج مجدد) بکنند.

بدین گونه است که بموازات اجرای هرچه کاملتر قوانین قرون وسطائی و تشدید ناهنجاریهای اقتصادی، امر طلاق و گسیختگی خانوادگی در جمهوری اسلامی فزونی می گیرد.

زن در دادگاه عدل اسلامی

نامه یک زن به خواهرش در خارج از کشور،

"... روز تشکیل جلسه دادگاه من و شوهرم که فرارید در اطاق رئیس دادگاه شعبه تعیین شده حضور یافتیم. آنچه موجبات حیرت و ناراحتی ام گردید، ازدحام بدور از انتظار خانواده هائی بود که همگی در همان اطاق و همزمان در همان شعبه منتظر رسیدگی وضعیت خود بودند. پیش از این گمان می کردم که من و همسرم پایه اطاقی خواهیم نهاد که رئیس دادگاه و مشاورش در آن حضور دارند و من میتوانم تمام مشکلات و مصائب زندگی زناشویی خود را با آنان در میان نهاده و رئیس دادگاه پس از شنیدن و بی جوئی مسائل قضاوت خواهد کرد. اما به محض مشاهده این اطاق شلوغ و بی نظم و شاکیان ره شده، تمامی گمانم فرو ریخت. حاج آقا (رئیس دادگاه) پرونده یک زوج را تمام نموده، به زوج بعدی می پرداخت و پرونده اینان را نیز نیمه تمام رها کرده، زوج بعدی را فرا می خواند... تا اینکه نوبت به ما رسید. حاج آقا پرونده دادخواستم را باز کرد و بی آنکه جمله ای را بخواند گفت خانم شما تقاضای طلاق دارید؟ گفتم بلی. حاج آقایی مقدمه ادامه داد، خوب باشد، اگر مهریه داری، مهریه حق و حقوقت را به شوهرت ببخش و خودت را خلاص کن! گفتم حاج آقا، اجازه بدهید چند کلمه ای را از مشکلات زندگیم برایتان بگویم. حاج آقا با عصبانیت در جواب گفت، آقای فلانی (که منظور مشاور "رئیس" بود)

بهین این خانم چه می گوید و خود بطور سطحی مطالب تهیه شده از سوی شوهرم را بازبینی کرد. پیش خود گفتم در جمهوری اسلامی درخواست زن را حتی بطور سطحی هم نمی خوانند. مشاور حاج آقا بی آنکه حرفی بزند کاغذی را جلویم گذاشت و گفت بنویس. من گفتم چی بنویسم، من که تمام مشکلات و خواسته هایم را در دادخواست نوشته ام، بگذارید چند کلمه ای با شما صحبت بکنم. مشاور حاج آقا با حالت توهین آمیزی گفت، خانم اگر نمی توانی بنویسی، بده کاغذ بنویس های دم در دادگاه برایت بنویسند. ما فرصت گوش دادن به حرفهای کسی را نداریم. و بعد کاغذی را به شوهرم داد تا او بنویسد. من نیز ناگزیر به گوشه اطاق رفتم و شروع به نوشتن کردم. در این میان حاج آقا به پرونده دبکر زوج ما "رسیدگی" می کرد. پس از مدتی دادخواستهای مجددمان را به حاج آقا دادیم. حاج آقا بی آنکه نوشته مرا بخواند و با کلمه ای با من حرف بزند، شروع به خواندن درخواست شوهرم کرد و مجدداً ما را به مشاورش سپرد. به مشاور حاج آقا گفتم، گرچه تقاضای طلاق کرده ام ولی اگر شوهرم تعهد بدهد که از شکنجه روحی و جسمی من و بچه هایم دست بکشد، بخاطر بچه هایم حاضر به ادامه زندگی با او هستم، شما نمی دانید که این مرد چطور به قصد کشت مرا می زند. آقای مشاور حاج آقا با خوشسردی گفت، خانم اینکه چیزی نیست، از این برخورد ها توی زندگی زناشویی زیاد به. و با صدای

آهسته ای ادامه داد، کتک زدن که عیبی ندارد! دست آخر بجای شنیدن حرفهای من و رسیدگی به شکایت من، از من خواستند که تعهد بدهم، که از این پس به شوهرم تمکین کنم و او تمامی حق و حقوقم در زندگی چشم ببوشم...

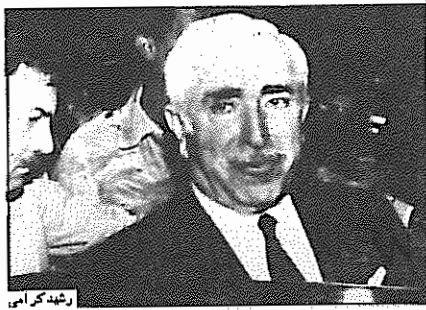
در آن ازدحام و هیاهوی اطاق زنانه را دیدم با چهره هائی ماتم زده و تنگیده صورشان نشان می داد که چه سرگذشت غم انگیزی داشته اند. یکی از این زنان خطاب به من گفت، خانم الان دوسال است که تقاضای طلاق کرده ام و هنوز بلا تکلیف مانده ام. و زن دیگری که برای گرفتن نفقه از شوهرش به دادگاه آمده بود گفت که شوهرش ظرف یک ماه او را طلاق داده است. از حیرت دهانم باز ماند که چگونه است وقتی زنی تقاضای طلاق دارد، دوسال و یا بیشتر طول می کشد ولی مرد میتواند ظرف یک ماه همسرش را طلاق بدهد؟ حاج آقا نوبت بعدی دادگاه ما را، دوماه دیگر تعیین کرد. در این فاصله یک روز به اطاق ارشاد دادگاه رفتم تا درباره وضع فرزندم پس از جدائی از شوهرم تحقیق بکنم. سرپرست ارشاد دادگاه گفت، پسر و دختر به پدرتعلق دارند و فقط دختر تا ۷ سال و پسر تا ۲ سال نزد مادر می ماند و پس از آن به پدر واگذار می گردد. پدر میتواند نفقه شهرداؤد و دریافت مهریه از شوهر هم آسان نیست. همه وسائل منزل متعلق به مرد است... حالا منتظرم تا روز دادگاه برسد. بچه هایم چه خواهند شد؟...

قتل نخست وزیر لبنان

صبح دوشنبه اول ژوئن، رشید کرامی نخست وزیر لبنان بر اثر انفجار بمبی که در زیر صندلی او در یک هلی کوپتر کار گذاشته شده بود، به قتل رسید. بدنهای کشته شدن کرامی، امین جمایل رئیس جمهور لبنان، سلیم الحوص را که در کابینه کرامی عهده دار وزارت آموزش بود، به سمت نخست وزیر جدید لبنان منصوب کرد. سلیم الحوص ۵۸ ساله، یکبار دیگر نیز در سال ۱۹۷۶، عهده دار مقام نخست وزیر لبنان شده بود.

در اعتراض به ترور رشید کرامی، سه شنبه گذشته در بسیاری از نقاط لبنان کارکنان ادارات، موسسات و فروشگاهها دست او کار کشیدند.

طبق سنت همیشگی، نخست وزیر لبنان از میان مسلمانان سنی منصوب می گردد. رشید کرامی از ۲۰ سال پیش تاکنون بطور مکرر به نخست وزیری لبنان منصوب شده بود. وی ماه گذشته در پی بروز اختلافات خود با امین جمایل رئیس جمهور مسیحی و فلاترزیست لبنان، استعفا کرده بود اما همچنان وظایف نخست وزیر را انجام می داد. کرامی به عنوان یک سیاستمدار نزدیک به سوریه شناخته شده بود.



رشید کرامی

اخبار کوتاه

● ژاژوینانگ نخست وزیر چین که عهده دار وظایف دبیرکل حزب کمونیست چین نیز هست، سرگرم دیدارهایی رسمی و دوستانه از لیستان، آلمان دمکراتیک، چکسلواکی، مجارستان و بلغارستان است.

● رهبران هفت کشور صنعتی غرب (آمریکا، بریتانیا، فرانسه، آلمان فدرال، ایتالیا، ژاپن، و کانادا) برای شرکت در اجلاسی وارد ونیز (ایتالیا) شدند. این نشست در روز دوشنبه هشتم ژوئن آغاز می گردد و بطور عمده به مسائل اقتصادی خواهد پرداخت.

● بدنهای یورش گسترده نیروهای مسلح سریلانکا به جزیره جافنا در شمال این کشور به منظور سرکوب نیروهای چپه آزادیبخش تامیل، نیروی هوایی هند چندین محموله حاوی کالاهای ضروری برای مردم این مناطق فرو انداخت. این اقدام بدنهای ضبط چند کشتی مندی حاوی کمکهای جنسی و دارویی برای مردم تامیل توسط نیروی دریایی سریلانکا صورت گرفت.

● حسنی مبارک رئیس جمهور مصر چهارشنبه گذشته وارد عمان پایتخت اردن شد و با ملک حسین پادشاه این کشور دیدار و گفتگو کرد. دوطرف درباره روندی جاری در خاور نزدیک به گفتگو نشستند.

تصمیمات رهبری شوروی برای تحکیم سیستم دفاعی

دفتر سیاسی ح. ک. ا. ش. در مصوبه خود "درباره تحکیم رهبری وزارت دفاع ا. ج. ش. س."، بر ضرورت اصولی "افزایش قاطع آمادگی رزمی و انضباط در نیروهای مسلح و تأمین توانایی جلوگیری از هرگونه نقض حاکمیت ا. ج. ش. س." تأکید ورزید.

هیات رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی با تقاضای بازتنستکی مارشال سرگئی سوکوف وزیر دفاع موافقت کرد و ژنرال دیمیتری یاسوف را بدین سمت برگزید.

ماتیاس روست خلبان آلمانی متجاوز به حریم هوایی شوروی، توسط نیروهای انتظامی در مسکو بازداشت شد و به جرم نقض مصونیت مرزهای اتحاد شوروی تحت محاکمه قرار خواهد گرفت. با چوبی از وی برای پی بردن به مقاصد او و همدستان احتمالی او ادامه دارد.

بدنهای پرواز غیرقانونی یک هواپیمای "سنا" به خلبانی یک تبعه آلمان فدرال به اتحاد شوروی و فرود آمدن این هواپیمادر نزدیکی میدان سرخ مسکو، دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در اجلاس خود این امر را مورد بررسی قرار داد و بدین نتیجه رسید که رهبری دفاع ضد هوایی شوروی، "برای جلوگیری از پرواز این متجاوز هوایی بدون استفاده از سلاح، میزان غیرمجازی از سهل انگاری و تزلزل از خود نشان داده است." دفتر سیاسی خاطرنشان ساخت "در سازماندهی امر نظامی دفاع از حریم هوایی شوروی نواقص جدی وجود داشته است"، از جمله کمبود هشدار و انضباط و "سهل انگاریهای عمده در رهبری نیروها توسط وزارت دفاع ا. ج. ش. س."

بنابراین تصمیم دفتر سیاسی، الکساندر کولودونف فرمانده دفاع ضد هوایی برکنار گردید.

اعزام کشتی های جدید آمریکایی به خلیج فارس

خدمه اهل بریتانیا، فلپین و سایر کشورهای خارجی استخدام خواهند نمود. در صورت صدور دستور از سوی ریگان رئیس جمهور آمریکا، نفت کشتیهای مزبور آغاز به کار خواهند کرد.

ریگان هفته گذشته رؤس برنامۀ افزایش حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس برای همراهی یازده نفت کش کوبیتی تحت پرچم آمریکا را مورد تصویب قرارداد.

مجلس نمایندگان آمریکا با ۲۰۲ رای موافق در برابر ۱۰۵ رای مخالف از ریگان خواست جزئیات بیشتری از طرح های خود برای خلیج فارس را آشکار سازد. ابراز مخالفت با این طرح هادر کنگره آمریکا ادامه دارد. برخی نمایندگان کنگره خواستار شرکت متحدان آمریکا در اجرای این طرح هستند.

یک سخنگوی پنتاگون وزارت دفاع آمریکا گفت سه کشتی جنگی این کشور از ساحل شرقی ایالات متحده عازم خلیج فارس خواهند شد. وی افزود اعزام یک ناو گروه دیگر تحت رهبری ناو هواپیمابر "کانستیشن" از جزیره دیکوگارسیا واقع در اقیانوس هند به خلیج فارس نیز پیش بینی شده است. با پیوستن سه کشتی جنگی آمریکایی به کشتی های پنتاگون در خلیج فارس، شمار آنها به ۱۰ می رسد.

دولت آمریکا اعلام کرد یازده نفت کش کوبیتی به نام یک شرکت کشتیرانی آمریکایی به ثبت رسیده اند و از این پس تحت پرچم ایالات متحده به خلیج فارس رفت و آمد خواهند کرد. شرکت مزبور برای این نفت کشتی ناوهای آمریکایی و

افغانستان: آتش بس یک جانشین نمیدهد

نخست انقلاب صورت گرفت، به مخالفان پیوستند. اما اکنون دولت افغانستان به این اشتباهات پی برده است.

نجیب گفت رهبران گروههای مخالف بدین علت از پذیرش پیشنهاد رهبری افغانستان برای تشکیل یک دولت ائتلافی سرباز زده اند که می خواهند قدرت را در انحصار خود در آورند. دبیرکل ح. د. خ. ا. افزود دولت این کشور سه اقدامات لازم برای امکان پذیر ساختن خروچ نیروهای شوروی از افغانستان را انجام می دهد. از آن جمله است تقویت نیروهای مسلح افغانستان تا زمانی که برای دفاع از کشور توان کافی داشته باشند.

محمد نجیب دبیرکل حزب دمکراتیک خلق افغانستان در گفتگویی با هفته نامه اخبار مسکو گفت رهبری این کشور، آتش بس یکجانبه ای را که در تاریخ ۲۵ دیماه ۱۳۶۵ برای مدت شش ماه اعلام کرده است، در پایان این مدت تمدید خواهد کرد. وی افزود علیرغم آتش بس یکجانبه اعلام شده از سوی حکومت انقلابی، نبرد میان نیروهای دولتی و ضد انقلابیون پایان نیافته و این ساده اندیشی است که از آتش بس، نتایج فوری انتظار رود، اما زمان خواهد گذشت و آرامش به کشور باز خواهد گشت.

رهبر افغانستان در این گفتگو اظهار داشت بسیاری از افغانی ها به علت اشتباهاتی که در سالهای

کنگره جهانی پزشکان در مسکو

پروفسور لاون رئیس اتحادیه مزبور گفت: "به هزاره سوم نزدیک و نزدیک تر می شویم. این امر بستگی به ما دارد که ششیر دامکس جنگ و بیماری مهلک کشتارهای جمعی را با خود به آینده ببریم و یا دوران نوینی آغاز گردد که عاری از کشتار و خطر خودناپودی باشد. باید پشیمانیم، زیرا زمان می گذرد"

هفته گذشته هفتمین کنگره جهانی "اتحادیه بین المللی پزشکان برای جلوگیری از جنگ هسته ای" در مسکو برگزار شد. در این گردهمایی نزدیک به ۲ هزار دانشمند از ۵۵ کشور شرکت کردند. کنگره در بیانیه پایانی خود تأکید کرد نابودی جنگ افزارهای هسته ای امکان پذیر است.

نگاهی به آمار طلاق در کل کشور

"مرد که قویتر است صدایش را در خیابان ول کرده است، و به حالت غیر ارادی و عصبی فریاد می زند، باها بیبا طلاق بد، دیگه چاتم به لیم رسیده. مگه چند سال دیگه می خوام زنده بمانم؟ ای آقاچان تورا به خدا کاری بکن که زودتر خلاص بشم. عابرین ایستاده اند و مرد را می نگرند."

زن زبانش بند آمده است، با یک دست چادرش را دارد و با دست دیگر بچه را مرتب در بغل می فشارد. نمی تواند صحبت کند، بغض می ترکد و پهنه صورتش خیس می شود. همراهان زن، مرد را زیر رکهار فحش و ناسزا می گیرند. از حرفهای آنها معلوم می شود که مرد معتاد است، شهادتیه به خانه می آید، خرجی به همسرش نمی دهد و حتی او را کتک می زند. دیگر صدای مرد آنقدر رسا نیست که بتواند بر صدای اقوام زن مسلط شود. دست فرزندش را رها می کند و در کنار دیوار چمباتمه می نشیند.

زن آهسته از جمع دور می شود،

درحالی که چانه فرزندش در شانه اش فرو رفته است، بر پهنه خیابان فقط شانه های زن را می بینم و چشمان بی رمق کودک، تاجائی که در جمعیت گم می شود.

این تصویری است که نشریه "آدینه" شماره دوم از سری جدید از وضعیت خیابانهای اطراف پارک شهر تهران ارائه کرده است.

نابسامانی های اجتماعی و بی آمدهای آن که خود را در ازدیاد موارد خودکشی و خودسوزی، طلاق، کسختگی خانوادگی، ازدیاد موارد اعتیاد به مواد مخدر و گسترش آن در بین جوانان نشان می دهند، سراسر مرز و بوم میهن را در نور دیده است. بسیاری رنج می کشند، چه مرد و چه زن. در واقع رنج، حوادث زندگی را به یکدیگر گره می زند. اما به راستی که نشان از قربانیان اصلی حکومت فقها بشمار می آید. در این مختصر، به موضوع طلاق و نابسامانی های خانوادگی اشاره ای داریم.

بقیه در صفحه ۱۴

همتاهای راستین در خیمان خمینی در فیلیپین



نام "قمه" نیز فعالیت می کند، در چارچوب سیاست "شکار کمونیستها"، علنا از طرف مسئولین محلی منصوب شده از سوی حکومت مانیل، مورد حمایت قرار می گیرد. آنها جنایتکاریهای خود را نوعی جهاد مقدس می دانند. این همتاهای راستین دژخیمان خمینی در فیلیپین نیز اعلام کرده اند:

کمونیستها کافرند و ریختن خونشان حلال و واجب شرعی است •

سربریده یک دهقان کمونیست و دو فاشیست با قمه های آخته. اعضای یک فرقه فاشیستی در فیلیپین به نام "قلب مقدس خدای ما" بعد از آنکه سر یک جوان دهقان کمونیست را بریده و خوش را خوردند، سروی رادریکی از شهرهای جزیره مینداناو به نمایش گذاشتند. آنها از مطبوعات نیز برای به نمایش درآوردن این صحنه فجیع دعوت به عمل آورده بودند. فرقه فاشیستی "قلب مقدس خدای ما" که به

مقاله ای از:

نگوین وان لین، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام

گامی مهم در راه نوسازی

استعماری بازداشت و زندانی شد. نگوین وان لین در سال ۱۹۳۶ به حزب طبقه کارگر ویتنام پیوست و از سال ۱۹۴۹ عضو دفتر دائمی بخش جنوب کمیته مرکزی بود. وی از سال ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۰ دبیر این بخش بود. پس از آزادی جنوب ویتنام در سال ۱۹۷۵، نگوین وان لین بعنوان دبیر کمیته شهر هوشی مین (سایگون) در حزب فعالیت می نمود. او از سال ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۰ صدر کمیته اجرایی اتحادیه عمومی سندیکاهای ویتنام و از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۵ پار دیگر دبیر کمیته شهر هوشی مین بود. نگوین وان لین از سال ۱۹۶۰ عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام و از سال ۱۹۷۶ عضو دفتر سیاسی و دبیرخانه کمیته مرکزی است. وی در دسامبر ۱۹۸۶ به سمت دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام برگزیده شد. در صفحه ۱۲

سال گذشته ششمین کنفرانس حزب کمونیست ویتنام با قرارداد وظایفی جدید در برابر حزب، دولت و مردم ویتنام برای تکامل بخشیدن به ساختمان سوسیالیسم و غلبه بر نارسایی ها و مشکلات و بازگزی نش رفیق نگوین وان لین به سمت دبیر کل حزب توجه جهانیان را به خود برانگیخت. در شماره ۵ سال ۱۹۸۷ نشریه "مسائل صلح و سوسیالیسم" مقاله ای با عنوان فوق از نگوین وان لین به چاپ رسیده است. برای آشنایی با روند نوسازی در ویتنام، ترجمه خلاصه شده این مقاله را می آوریم.

رفیق نگوین وان لین در سال ۱۹۱۵ متولد شد و در سال ۱۹۲۹ به جنبش رهایی بخش انقلابی و ملی پیوست. وی بارها توسط حکومت

برای اشتراك نشریات «کار» و «اکثریت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك «کوپن بین المللی پستی» و یا رسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك نشریه «کار»	شش ماهه	یک ساله
مارك ۱۶	مارك ۱۴	☐	☐	☐
≈ ۳۰	≈ ۲۷			

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك نشریه «اکثریت»	سه ماهه	شش ماهه	یک ساله
مارك ۳۶	مارك ۳۳	☐	☐	☐	☐
≈ ۷۰	≈ ۶۴				
≈ ۱۳۸	≈ ۱۲۵				

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 160
MONDAY, JUN 8, 87

آدرس: Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی:
AUSTRIA .WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701-650
DR. GERTRAUD ARTNER

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید